نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و چهارم – شماره ۹۷۶   سه شنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۰
۸ صفحه – ۱۰۰۰ تومان

دکتر طالب موذنی استاد بوشهری دانشگاه عمان، در مصاحبه با نسیم جنوب:



دانشجویان بیش از آن چه که در دانشگاه می آموزند، در فضای بیرون و خصوصا از منابع آنلاین بیاموزند

ص ۶

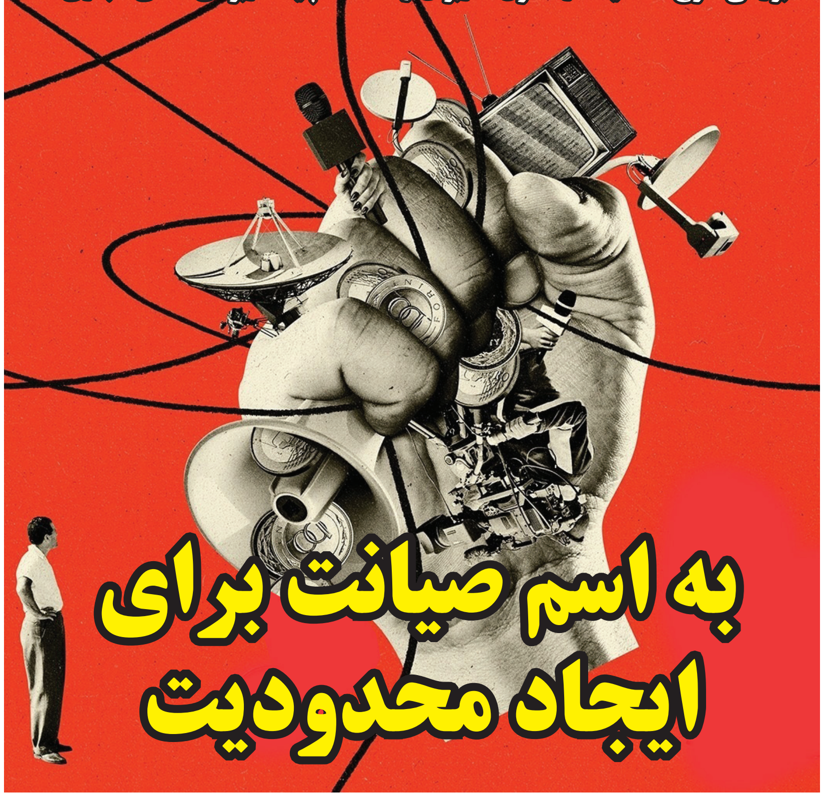
دکتر حسین اسکندری استاد دانشگاه خلیج فارس بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:



دانشجویان در کسب علم از فرهنگی فعال و کنشگر برخوردار شوند

ص ۷

بررسی طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی»



به اسم صیانت برای ایجاد محدودیت

پرسنل بیمارستان کنگان ۷ ماه بدون یک ریال حقوق!

نیروهای پیمانی بیمارستان کنگان نسبت به تأخیر هفت ماهه در پرداخت حقوق خود توسط بیمارستان امام خمینی (ره) کنگان گلایه‌مند هستند و خواهان رسیدگی به این مساله از سوی مسؤولان استان می باشند.

به گزارش خبرگزاری فارس از کنگان، حجم بدهی برخی بیمارستان‌های استان بوشهر کار را برای ادامه حیات و خدمات دهی آن مراکز درمانی به قدری سخت و پیچیده و بغرنج کرده است که چنان چه آن بیمارستان به نقطه تعطیلی و ورشکستگی رسمی برسد نیز جای تعجب ندارد. در این میان کرونا، تحریم‌های ظالمانه و افزایش بی سابقه تورم نیز بر شدت این بدهی‌ها و البته کاهش شدید درآمدهای بیمارستانی تأثیر مستقیم گذاشته است. شرکت‌های دارویی، شرکت‌های تجهیزاتِ پزشکی، بازار، نیروهای بیمارستانی و خصوصاً قراردادی از جمله طلبکاران بیمارستان‌ها هستند. به نظر می‌رسد پرداختی‌های بیمارستان کنگان به ویژه به پرسنل قراردادی موجی از نارضایتی را در این مرکز درمانی ایجاد کرده و نیاز است که دانشگاه علوم پزشکی استان بوشهر، نماینده مردم جنوب استان بوشهر و استاندار بوشهر برای پرداخت حقوق اولیه این پرسنل بیمارستان کنگان راهکاری پایدار پیدا کنند.

لباس پاکبانان و مشکلاتی که فراموش نشود

مهدی جهانبخشان





خاطرات ابراهیم بشکانی از بوشهر قدیم:

آماده شدن برای رفتن به مدرسه

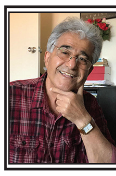
۸



مصاحبه با هنرمند جوان بوشهری زینب فولادی:

نقاشی را باید زندگی کرد

۲



سرنوشت من و شاه و خوان کارلوس!

دکتر محمود دهقانی

۳



فرزندان عجول و والدین شرمسار

یونس قیصی زاده

۸

...گاهی خدا می خواهد با دست تو دست دیگر بندگانش را بگیرد
وقتی دستی را به یاری می گیری، بدان که دست دیگرت در دست خداست...
شماره کارت ۶۲۸۰۲۳۱۴۷۳۲۰۰۰۸۶
انجمن حمایت ازبیماران سرطانی جوانه سبز بوشهر
۶۰۳۷۶۹۱۹۹۰۱۶۶۶۷۰ بانک صادرات
۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۸۲۷۲۹۳ شماره کارت بانک ملی
کمک به بیماران سرطانی۰۹۱۷۲۳۹۰۶۶۹

لباس پاکبانان و مشکلاتی که فراموش نشود

مهدی جهانبخشان



سرهنگ جعفر پورکبگانی، رئیس شورای بندر بوشهر، در مراسم تودیع و معارفه شهردار بوشهر، با پوشیدن لباس پاکبانی، نظرها را به مهم بودن نقش پاکبانان، در نظافت و بهداشت شهر جلب کرد.

این که این رئیس ولایی شورای اسلامی شهر، با پوشیدن لباس پاکبانی به پاکبان ها اهمیت نشان داده قابل توجه است ولی حقیقت اینست که زندگی کسانی این لباس را در واقعیت برتن دارند، بسیار سخت و دردآور است. آنها در گرما و سرما و شب و روز تلاش دارند تا شهر از آلودگی در امان بماند، اما دستمزدی که دریافت می کنند نه تنها تکافوی زندگی‌شان را نمی دهد بلکه گاه همین دسترنج اندک هم به بهانه های مختلف از آنها دریغ می شود. بیمه شان به موقع پرداخت نمی شود. چنان چه اعتراضی هم بکنند با خطر اخراج مواجه هستند. در سنوات گذشته بالاجبار کارهای شخصی کارفرما را هم انجام می دادند. از داشتن دستکش و ماسک استاندارد کار محرومند. در شهر برایشان حمام مناسب وجود ندارد که پس از اتمام کار نظافت کرده و بدون آلودگی به خانه های خود برگردند. در این موقعیت و با لباس پاکبانی هیچ ماشین کرایه ای آنها را برای رسیدن به مقصد سوار نمی کند. هم اکنون نیز معوقه های سال‌های گذشته شان را دریافت ننموده اند. امیدوارم سرهنگ پورکبگانی، رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر، به طور جدی پیگیر مطالبات پاکبانان زحمتکش باشد تا خدای ناکرده پوشیدن لباس پاکبانی توسط ایشان، تعبیر یک حرکت پوپولیستی را دامن نزند.

شهردار جدید بوشهر معارفه شد



به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، در آیینی با حضور مسؤولان، حسین حیدری به عنوان شهردار جدید بوشهر معارفه شد.

احمد محمدی زاده در این آیین اظهار داشت: ارزیابی مثبتی از عملکرد شورا و شهرداری بوشهر طی چهار سال گذشته نداریم و مشکلاتی وجود داشت که موجب عقب ماندگی شهر و بی اعتمادی مردم به مسؤولان شد.

استاندار بوشهر افزود: اختلافات شورا و شهرداری و سوء استفاده های مالی بزرگترین آسیب های مدیریت شهری است و مردم تحمل شنیدن این آسیب ها و مشکلات را ندارند.

وی بیان داشت: احداث پارک ویژه بانوان با تمام امکانات مورد نیاز برای شهر بوشهر از برنامه های مهم شورا و شهرداری باشد.

به گزارش فارس، در این مراسم همچنین از خدمات صالحیان شهردار و کردگار سرپرست سابق شهرداری بوشهر قدردانی شد.

حکم متفاوت قاضی دشتستانی/ پاکسازی اطراف سد به جای٦ ماه حبس

قاضی شعبه اول دادگاه عمومی بخش شبانکاره شهرستان دشتستان با صدور حکم سبز متخلف زیست محیطی را به پاکسازی اطراف سد رئیسعلی دلواری مجازات کرد.به گزارش خبرگزاری فارس از شهرستان دشتستان، قاضی شعبه اول دادگاه عمومی بخش شبانکاره شهرستان دشتستان با صدور حکم سبز متخلف زیست محیطی را به پاکسازی اطراف سد رئیسعلی دلواری مجازات کرد.سیروس کرمی با اشاره به صدور حکم سبز در شعبه اول دادگاه عمومی بخش شبانکاره شهرستان دشتستان، اظهار داشت: متهمی به جرم نگهداری اسلحه و مهمات جنگی به صورت غیرمجاز و همچنین شکار و صید در مناطق ممنوع باید به تحمل ۶ ماه حبس تعزیری محکوم می‌شد، اما برای جدی گرفتن اخلاق محیط زیست و تغییر نگرش عمومی از خصومت با طبیعت به آشتی با آن، برای این متهم حکم سبز صادر شد.

رئیس اداره حقوقی اداره کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر اضافه کرد: براین اساس مجرم مکلف به پاکسازی طبیعت اطراف سد رئیسعلی دلواری به مدت ۳۰ ساعت با نظارت و هماهنگی اداره حفاظت محیط زیست شهرستان دشتستان و شرکت آب منطقه‌ای بوشهر شد. وی با قدردانی از مجتبی سهرابی قاضی شعبه اول دادگاه عمومی بخش شبانکاره شهرستان دشتستان، گفت: صدور این حکم سبز به منزله نگاه صحیح قاضی به حفظ محیط زیست و تعیین مجازات جایگزین حبس است.

توضیح دادگستری استان بوشهر، درباره خبر تجاوز به دختر عکاس و خودکشی به خاطر رفتار قاضی!

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، خبری مبنی بر تجاوز فردی به یک دختر عکاس بوشهری در یکی از باغ ویلاها در فضای مجازی پیچید که به نقل از نزدیکان وی، ادعا شده بود که دختر پس از رفتار و بی اعتنایی قاضی خودکشی کرده است. این خبر باعث شد که واکنش‌های زیادی از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی مطرح شود.

در همین راستا، دادگستری استان بوشهر با انتشار مطلبی نوشت: در پی طرح شکایتی مبنی بر آدم‌ربایی و تجاوز به خانمی در بوشهر، پرونده‌ای تشکیل و به یکی از قضات قاطع و حساس استان در رسیدگی به این قبیل پرونده‌ها، ارجاع می‌شود.

این گزارش می‌افزاید: با مراجعه شاکی نزد قاضی، وی اعلام می‌کند که حدود بیست روز پیش از سوی فردی مورد تجاوز قرار گرفته است و قاضی پس از استماع اظهارات این خانم، سریعاً دستورات لازم را در جهت تکمیل تحقیقات و ارائه ادله جرم صادر کرده و از شاکی می‌خواهد که در صورت وجود مدارک و به‌منظور تسریع در روند تحقیقات، فوراً آن را به مرجع قضایی ارائه دهد. بنابراین گزارش، شاکی علی‌رغم این که مدعی وجود یک فایل صوتی برای اثبات جرم شده بود ولی دیگر به منظور پیگیری شکایت به دستگاه قضایی مراجعه نمی‌کند. گفتنی است، کالبد شکافی جسد به‌منظور بررسی علت فوت صورت گرفته و نتیجه آزمایشات به مرجع قضایی اعلام می‌شود.

مصاحبه با هنرمند جوان بوشهری زینب فولادی:

نقاشی را باید زندگی کرد



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– زینب فولادی(ساحل)، متولد ۱۳۷۸.۱.۱۸، صادره از بوشهر.

– چه شد که به سمت نقاشی رفتید؟

– ازکودکی علاقه شدیدبه هنر داشتم و خلق آثار ذهنی و به تصویر کشیدن آن برایم مهم بود و با تشویق خانواده به نقاشی پرداختم.

– چه دوره آموزشی را نزد چه اساتیدی گذراندید؟

– دوره آموزشی را نزد استاد ظریف و استاد حیدر زاده گذرانده ام.

– موضوع نقاشی های شما بیشتر چیست؟

– نقاشی های مدرن، نقاشی سیاه قلم(چهره)، نقاشی طبیعت و کار با رزین اپوکسی، پتینه کاری و...

– چرا به این موضوعات علاقه دارید؟

– روحیه بنده کاملا هنری است و به همین علت به تمامی تکنیک ها علاقه مند هستم.

– در این راه چه کسانی از شما حمایت کردند و چه کسانی مشوقتان بود ؟

– خانواده و خودم.

– بهترین نقاشی عمرتان را به چه کسی تقدیم می کنید؟

– خودم، زیرا اولین کسی که می تواند من را به سمت موفقیت نزدیک کند شخص خودم است.

– الگوی شما در نقاشی کدام هنرمند است؟

– پیکاسو.

– سوژه های خود را چگونه انتخاب می کنید؟

–کاملا ذهنی و خلاقیت شخصی خودم است.



– چرا به نقاشی های مفهومی و انتزاعی علاقه دارید؟

– زیرا نقاشی اثری است که ساخته ی ذهن هر نقاش است و آن را به روش خودش روی کاغذ طراحی می کند.



– وضعیت هنر نقاشی در بین جوانان در بوشهر چگونه است؟

– تعداد کمی علاقه مند به هنر هستند.

– احساس تان درباره نقاشی چیست؟

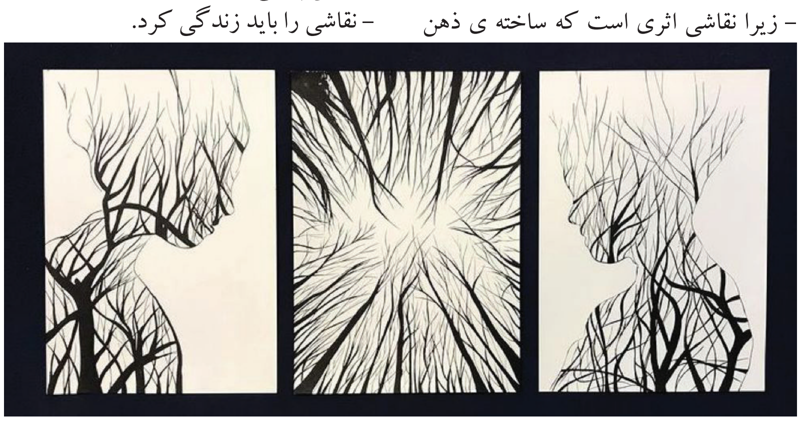
– زمانی که نقاشی می کنم بهترین احساس ممکن در خودم دارم و آرامش خاصی بهم میده.

– چه توصیه ای به جوانان علاقمند به هنر دارید؟

– اگر علاقه دارند حتما آن را دنبال کنند و خودشان تلاش کنند و خلق کنند زیرا هر کس خالق نقاشی و سبک خودش است.

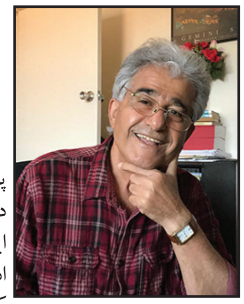
– سخن پایانی؟

– نقاشی را باید زندگی کرد.



سرنوشت من و شاه و خوان کارلوس!

دکتر محمود دهقانی – استرالیا



پس از پایان دبیرستان در مدرسه ایرانی دوبی، برای ادامه تحصیل کشور زیبای اسپانیا را برگزیدم و در مادرید جاگیر شدم. شهری که مهندسان ایرانی پس از روزگار یورش اعراب به سه کشور مصر، ایران و اسپانیا، در روزگار فلیپه دوم و گزینش مادرید برای پایتخت به جای شهر "تولدو"، قنات ها و کاریز شهر را در چند کیلومترساخته بودند. کاریزهایی که تا ۱۸۶۰ میلادی سرچشمه آب نوشیدنی شهروندان مادرید بود و پیشینه نگاران اسپانیایی و از جمله شجاع الدین شفا نیز در کتاب پژوهشی خود" ایران و اسپانیای پس از اسلام"، از آن یاد کرده است. اسپانیا کشوری است که پیشینه سیاسی آن با ایران در پیش از اسلام ریشه دار است. در روزگار پس از اسلام نیز "کلاویخو" فرستاده کشور خود به دربار امیر تیمور در سمرقند بود و جامی به نوش باد امیر تیمور بالا برد. فرستاده دیگر آن کشور به دربار شاه عباس یکم صفوی در اصفهان "دون گارسیا سیلوا ای فیگوئروا" هم با شاه صفوی جام شادمانی سر کشید.

به دنبال شناخت بیشتر از اسپانیا در چند کتاب تاریخی و فرهنگی غور کردم تا آن کشور زیبا را بهتر بشناسم. کشوری که "فدریکو گارسیا لورکا" شاعر بلند آوازه، از تاکستان ها و زیتون زارهای آن در شعرهایش گفته بود و فرهنگ شعر و ادبیات، رقص، شراب و موسیقی آن آوازه جهانی داشت. اما از نظر سیاسی در روزگار فرمانروایی ژنرال فرانکو پای هر درخت زیتونی یک شاعر و نویسنده و هنرمند را خفه کرده بودند. سرانجام پس از شب دراز فاشیزم، اندکی آرامش برقرار شد و خوان کارلوس سکان دار کشتی اسپانیا بر آن دریای توفانی شد.

ژنرال "فرانسیسکو فرانکو باها مونده" دیکتاتور پیشین اسپانیا، در۴ دسامبر سال ۱۸۹۲ میلادی در "الفرول" استان گالیسیا در اسپانیا چشم بر جهان گشود. او فرزند دوم آقای "نیکولاس فرانکو سالگادو-آراوخو" و خانم " پیلار باها مونده- ای- پاردو- د آندراده" بود. برخی پیشینه نگاران بر این باور پا فشاری کردند که فرانکو یکی از فرماندهان زیرک تاریخ ارتش اسپانیا در روزگار خود به حساب می آمد.

با هیتلر در آلمان و با موسولینی در ایتالیا و همچنین با دولت های آفریقایی به ویژه مراکش بند و بست خوبی داشت و چون از نزدیکان و برخی فرماندهان پیرامون خود اطمینان نداشت، بخش بزرگی از گارد و آژدان های فرانکو در اسپانیا، با لباس عربی از شهروندان مراکش بودند. از آنجا که اسپانیایی ها از دیدگاه تاریخی یورش اعراب به اسپانیا که همچون یورش به مصر و ایران بود دل خوش نداشتند، بنابراین از روی کینه تاریخی اشغال کشور به دست اعراب، وجود آژدان های عرب فرانکو را یک دهن کجی به خود می پنداشتند. آن پندار یکی از انگیزه های کینه ی ملی گرایان اسپانیا به فرانکو بود.

ژنرال فرانکو با روی کار آمدن محمد رضا پهلوی در ایران با او نیز دوست شد و از شاه و ثریا ملکه آن روزگار ایران برای دیدار رسمی از اسپانیا در سال ۱۹۵۷ میلادی برابر با ۱۳۳۶ هجری دعوت نمود و از آن ها با تشریفات پر زرق و برق در کاخ مجلل خود در مادرید پذیرایی کرد. در همان دیدار ژنرال فرانکو به همراه همسرش "کارمِن"، شاه و ثریا را نه تنها به تماشای رقص و پایکوبی "فلامنکو" همراه با ضیافت شامی که در آن پلوی سنتی اسپانیا "پاییا" و شراب مرغوب و پر آوازه اسپانیایی "خرز" نیز گنجانده بودند دعوت کرد، بلکه آن ها را برای تماشای گاوبازی به میدان گاوبازی نیز برد. در آن سفر شاه و همسرش برای ۵ روز مهمان ژنرال فرانکو بودند. عکس و گفتگو از زیبارویی ثریا اسفندیاری، همسر دوم شاه و نویسنده کتاب "قصر تنهایی" که از پدری از لرستان و مادر آلمانی بود، مدت ها و حتا پس از جدایی با شاه نیز در روزنامه های اسپانیا به چاپ می رسید و بازتاب یافت و آن نوشتار خوانندگان پروپا قرصی داشت.

فرانکو یک ارتشی بود که کلیساهای اسپانیا همه جانبه از او در روزگار زمامداری پشتیبانی کردند و از او دیکتاتوری تمام عیار با آوازه ی جهانی ساختند. از آن روی با سنگدلی، چهار دهه بر اسپانیا فرمانروایی کرد. نفوذ کشیش های کلیسا های اسپانیا در دستگاه دولت فرانکو و طرفداری آن ها از او، در دورانی بود که ستیز بلوک شرق و غرب، کلیسا را در برابر رویش ایده های چپ قرار داد. با بر پایی و برقراری دولت های چپ گرا در گوشه و کنار جهان، روز به روز عرصه بر بیله راست تنگ تر می شد. اردوگاه سوسیالیسم در مسکو پایتخت کشور شوراها در آن روزگار با پشتیبانی گسترده خود، در تلاش سر برون آوردن یک اسپانیای "سرخ" بود. از سوی دیگر اردوگاه سرمایه داری با پشتیبانی کلیسا در اسپانیا و در سرتاسر جهان، خواهان اسپانیای "آبی" بود. رنگ سرخ از آن چپ گرایان و رنگ آبی به راستگرایان "فالانژیست" اسپانیا تعلق داشت. فقط سرخ بود و آبی، رنگ و گزینش دیگری وجود نداشت. در جنگ این دو رنگ و برای این دو آرمان شمار بسیاری از مردم اسپانیا، در جنگ داخلی ۱۹۳۶-۱۹۳۹ میلادی آن کشور جان باختند.

مادرید پایتخت اسپانیا در غرب اروپا تا به امروز نه تنها موزه ها، بلکه گورستان هایش نیز سندهایی از رخدادهای تلخ آن روزگار به دست می دهد.

نقاشان، هنرمندان، شاعران و نویسندگان و کسانی که آرمانشان در پرچم سرخ بود از شهرها و کشورهای دور و نزدیک جهان می آمدند و برای اسپانیای سرخ می جنگیدند و دوش به دوش یاران سرخ جهانی خود با پرچمداران آبی و هواداران جهانی فالانژیست ها در اسپانیا به جنگ و ستیز می پرداختند.

در گورستان های مادرید بر سنگ مزار برخی داس و چکش و بر مزار دسته ای صلیب حک شده و گویای سر گشتگی غبارآلوده ی دگماتیسم کلیسا و بن بست ایده آل ها و مغزهای سنگ و کانکریت گونه ی سیاستمداران آن روزگار است که از تراوشات اندیشه های بیمارگونه ای که فرانکو در کاکل آن قرار داشت، گورستان های اسپانیا آباد شد. بالا گرفتن تولید سیگار، کشت تنباکو، فقر و فحشا، اعتیاد و به گفته برخی از پیشینه نگاران همجنس گرایی و حتا سرطان تا به امروز از تاثیر ویرانگر آن روزگار اندوهبار قلمداد می شود.

هنگامی که با تلاش چپ گرایان پیشین اسپانیا از جمله آقای "سانتیاگو کاریو" و خانم "دلورس ایبارودی" از حزب کمونیست و آقای" لارگو کابایرو" و بویژه حزب پر طرفدار مارکسیسم لننیسم او یعنی حزب سوسیالیست و در کل همه ی چپ های اسپانیا،عرصه بر فرانکو تنگ شد، فرانکو برای آن که کشور به دست جمهوریخواهان نیفتد پس از فراز و فرودهای تلخ خونبار؛ راه را برای خوان کارلوس پادشاه پیشین اسپانیا هموار کرد.

پس از مرگ فرانکو و روی کار آمدن خوان کارلوس چپ ها که نیروی بزرگی در اسپانیا بودند، به تکاپو افتادند. خوان کارلوس که از دودمان "بوربن" بوده و همسرش "سوفیا" دختر آخرین پادشاه سرنگون شده ی یونان است، از سر گذشت تلخ پدر زن، درس گرفت و در یک نشست تاریخی به چپ گرایان وعده ی همیاری داد.

حزب سوسیالیست در دو دوره طولانی از آقای "فلیپه گونسالس" گرفته تا "لوئیس رودریگز سپاترو" نخست وزیر های پیشین اسپانیا از همان حزب سوسیالیستی هستند که اندک اندک از شدت برخورد های تند و نافرجام خود دور شدند.

سیاستمداران تاثیر گذار چپ اسپانیای امروز از دامان همان حزبی برخاسته اند که پرچمش سرخ بود. خاویر سولانا، فلیپه گونسالس و ساپاترو، و بسیاری از سیاستمداران با نام و نشان اسپانیا تربیت شده ی همان حزب سوسیالیستی بودند که دل در گرو آینده اسپانیا داشتند و اگر با اسلحه و جنگ نتوانستند پیروز شوند ولی به ناچار در سایه ی آزادی و دمکراسی غربی چند دهه است که زمامدار امور سیاسی کشور خود می شوند.

از آن روی حزب سوسیالیستی که روزگاری مبارزانی چون "لارگو کابایرو" بر کاکل آن بود، از اندیشه های نخست هر روز بیشتر از پیش فاصله گرفت. اما در کشورهایی چون اسپانیا و ایتالیا اندیشه چپ به گونه سنتی ریشه دار است.

چند سالی پس از روی کار آمدن خوان کارلوس به فرمان او و در قلب شهر مادرید و در کنار موزه پرآوازه "ال پرادو" بر سر راه هزاران گردشگر، شهرداری با لوله کشی گاز به یاد جان باختگان سرخ و آبی اسپانیا شعله جاودان برافروخت. خوان کارلوس پیش چشم همه ی گروه ها در آیینی ملی شعله را روشن کرد و اسپانیا را از دوره ی تلخ تاریخ درگیری های خونین سیاسی خود جدا و جاده دمکراسی غربی را پیش پای ملت نهاد.

پیش از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در ایران، روزنامه نگار سرشناس مصری آقای حسنین هیکل که از سفر رسمی شاه و ملکه ایرانی آن روزگار به مادرید و پذیرایی گرم ژنرال فرانکو و بویژه ژرفای دوستی شاه با فرانکو آگاه بود، پس از روی کار آمدن خوان کارلوس در اسپانیا، در تهران با شاه گفتگو نمود. هنگامی حسنین هیکل دیدگاه شاه را در باره آزادی های سیاسی در اسپانیای پس از فرانکو جویا شد شاه گفته بود: "من دلواپس خوان کارلوس هستم. این گونه آزادی دادن ها، به زیان آینده ی او و کشور اسپانیاست."

هنگامی که انقلاب بهمن پنجاه و هفت ایران پیروز شد و شاه در برون مرز، در کشور مصر درگذشت، حسنین هیکل در همان روزها با خوان کارلوس در مادرید گفتگو نمود. روبه خوان کارلوس گفت: "شاه در باره آینده شما و اسپانیا دلواپس بود." خوان کارلوس با کُت و شلوار سورمه ای زیبایی که طراح آن شرکت امریکایی بیژن ایرانی تبار بود، خیلی مودبانه پاسخ داد: "البته هر کسی درس خودش را بهتر می داند اما از مرگی که دامنگیر شاه شد افسرده شدم."

باری:

سرنوشت نگارنده تهیدست و پادشاه پیشین اسپانیا به گونه ای رقم خورد که اگر من در نوجوانی گرما و شرجی دوبی را ترک کردم و برای تحصیل به اسپانیا رفتم، خوان کارلوس پدر فلیپه ششم پادشاه کنونی اسپانیا، در کهنسالی از تابستان گذشته به خواست خود در گرما و شرجی دوبی به سر می برد و روزگار می گذراند.

بر پایه گزارش رسانه ها به ویژه روزنامه "ال پائیس" چاپ مادرید خوان کارلوس بدهی مالیاتی خود را در چهارچوب پی گیری سخت دادگاه پر و پا قرص کشور که شاه و رعیت نمی شناسد، چندی پیش با کارت های اعتباری پرداخت کرد تا اگر بتواند خود را از شّر خبرنگاران سمج اسپانیا رها کند!

موانع تاریخی توسعه بوشهر در دوران معاصر(۶)

تاثیر جنگ جهانی دوم بر اجتماع و اقتصاد بوشهر



دکتر حمید اسدپور

بروز جنگ جهانی، ناامنی، کمبود ارزاق، گرانی و بیکاری، رکود اقتصادی و فقدان مایحتاج عمومی از جمله عواملی است که باعث مهاجرت مردم از بوشهر می شدند. جنگ جهانی دوم و آغاز و پایان آن نیز بر اجتماع و اقتصاد بوشهر اثرات منفی نهاد و به اقتصاد و جامعه تجاری بوشهر آسیب های فراوان وارد نمود. جمعیت بوشهر بر اثر بروز جنگ جهانی دوم مجددا کاهش یافت. بسیاری از تجار و مردم مهارجرت کردند. ارزاق عمومی و به خصوص نانو آرد کمیاب شدند و قحطی و بحران نان ظهور کرد. مردم فرودست و تنگدست دچار لطمات فراون و رنج بسیار شدند(همان). آمارها و اسناد اتاق بازرگانی بوشهر بوشهر در طی سالهای ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۵ خورشیدی نشاندهنده کاهش واردات و صادرات از بوشهر است.کاهش واردات و صادرات کالا در این سالها در بندر بوشهر در کنار فقر و قحطی گسترده، بحران نان و ناامنی راه ها، یعنی رکود تجارت و محروم



شدن بوشهر از اصلی ترین شریان اقتصادی و معیشتی خود. (همان) ماجرا بدین جا ختم نشد و ضربه دیگری بر اقتصاد و تجارت بوشهر و جامعه تجاری آن در جریان نهضت جنوب در سال ۱۳۲۵ خورشیدی وارد آمد. از نتایج دیدار خوانین و بسیاری از کدخداها با ناصرخان قشقایی، حمله خوانین جنوب به بوشهر بود. طی چند روز پادگانهای نظامی و پاسگاه های ژاندارمری و سایر ادارات اشغال شدند و گمرک بوشهر توسط خوانین غارت شد. با غارت ادارات و گمرک بوشهر محموله بزرگ قند و شکر و پول فراوان به دست خوانین افتاد.(کرمپور محمد ۱۳۹۳،۵۰) نتیجه فوری این قضایا رکود تجارت در بوشهر و نتیجه دراز مدت آن تضعیف جامعه تجاری بوشهر با خروج تعداد بیشتری از بازرگانان بوشهری بود. در این دفعه نیز برخی از تجار بوشهری به خوزستان، اصفهات، تهران، کویت و بصره مهاجرت کردند و نکته جالب کاهش تجار غیرمسلمان در بوشهر بود. در حالی که در سال های آغازین قرن چهاردهم خورشیدی در بین تجار بوشهر بازرگانان غیرمسلمان حضور داشتند و اسامی تجار ارمنی(هاشم پور ظهراب، ۱۳۹۵،۱۸۱) و یهودی در بین اسامی بازرگانان بوشهری دیده می شد ولی سی سال بعد یعنی در دهه سی خورشیدی دیگر نام و نشانی از آن ها وجود نداشت و این به معنای کوچ ومهاجرت آنان از بوشهر بود.

دیوارکشیدن میان دنیای مجازی درون و بیرون کشور


خلیل موحد

۱. یکی از دگرگونی هایی که در این سی چهل سال در میهن ما رخ داده، میان تهی کردن شماری از واژگان از معنای درونی و نیز از کاربرد بیرونی آن است. معنا و کاربردی که همه و یا دست کم بیشتر مردم آگاه از معانی واژه و به ویژه ارباب فرهنگ و دانش از آن واژه، فهم مشترک و نیز انتظار کارکرد ویژه دارند.

۲. طرحی که در کمیسیون فرهنگی مجلس یازدهم و البته با تصویب اعضای آن مجلس، پنهان از چشم و گوش مردم در حال بررسی آن است و آن را "حمایت یا صیانت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی در فضای مجازی" نام نهاده اند، نمونه ای لخت از تجاوز و بی داد بر کلمات حمایت، صیانت و حقوق است.

این طرح افزون بر چنگ انداختن بر ناموس عبارت "حمایت یا صیانت از حقوق کاربران"، در برهنگی کامل، نقض حقوق ملت در بهره مندی آزادانه از رسانه های غیر حکومتی - استفاده از رسانه های حکومتی که تحصیل حاصل است - مجازی و غیر مجازی و گردش آزاد اطلاعات، خبر، تحلیل، عکس و فیلم به شمار می رود. از دگرسو گفتن ندارد که آزادی بیان و حق بنیان رسانه های غیردولتی و غیر حکومتی و دسترسی آزادانه به این رسانه ها در زیر یکی از آرمان های باشکوه انقلاب ۵۷؛ یعنی، آزادی تعریف شده است.

۳. اینک اما دست های پنهان و پیدای پشت این طرح که به روشنی با آرمان با شوکت آزادی در ستیز است در مسیر برداشتن گامی دیگر در نبرد خود با نمودهای با جاه و جلال آزادی می باشند.

جماعت اصولگرای باشنده در سرای قدرت در تضاد با اراده ی بیشتر ملت ایران، بر همه قدرت، ثروت همگانی و رسانه های ملی کم و بیش پنجه افکنده و به شیوه ای ناعادلانه به انحصار خود در آورده است. این گروه در حوزه ی رسانه، در مجموع، صدها شبکه ی شنیداری، دیداری، دیداری - شنیداری و رسانه های کاغذی و شبکه های مجازی اجتماعی و... در اختیار دارد. محافظه کاران که با حذف پیشینی رقیبان خود و با آرایی اندک بر کرسی قدرت در مجلس جلوس کرده اند، آهنگ آن دارند که با بستن بند و زنجیرهای گران بر پای فضای مجازی، بر نرخ فقر و فلاکت اقتصادی افزوده و پاره گی های روانی مردم را ژرف تر کنند.

۴. اما چرا راست اندیشان همیشه حاکم با وجود بستن صدها پایگاه اینترنتی و نیز شبکه های مجازی "یوتیوب"، "توئیتر"، "تلگرام" و کار بست دیگر قید و بندهای ضد آزادی بیان بر دیگر رسانه های دگراندیش، هنوز سیراب نشده و در پی زدن زخمی دیگر بر پیکر رسانه های مجازی اند؟ مگر نمی دانند که شبکه های مجازی از جمله ابزارهای داد و ستد اقتصادی اند و در کشور ما نیز ده ها میلیون انسان با استفاده از آن برای زیست خود درآمدزایی می کنند. آیا می خواهید با قفل کردن بیش از پیش شبکه های مجازی، این ده ها میلیون را نیز به انبوه بیکاران پیوست کنید؟!

۵. به گمان من علت بنیادین این رویکرد، هراس از آگاهی مردم از درون تاریک خانه های سیاسی و اقتصادی است و چنین می نماید که از شفافیت مالی و سیاسی گریزانند و از سرک کشیدن رسانه ها و مردم به نهان خانه های رانتی مالی و مناسبات ویژه خوارانه و پستوهای سیاست رسمی در تشویش و اضطراب اند.

وگرنه آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است. افزون بر این، آنها می خواهند ارتباطات و گردهمایی های اجتماعی، سیاسی، اندیشگی و فرهنگی مجازی مردم را از هم دریده و یا به جایگاه حداقلی و خنثی فروکاهند و نیز میان دنیای مجازی درون و بیرون کشور دیوار بکشند. مگر اینان که بر خلاف بیشتر مردم، در رفاه و برخورداری تمام عیار زندگی می کنند، نمی دانند که شبکه های مجازی از جمله ابزارهای داد و ستد اقتصادی اند و در کشور ما نیز ده ها میلیون انسان با استفاده ار آن برای زیست خود درآمد پاک می زایند.

بررسی طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی»

به اسم صیانت برای ایجاد محدودیت

عقبگرد بسیار بزرگ



دکتر عبداله آورا: طرح صیانت یک عقبگرد بسیار بزرگ و وحشتناک برای جامعه است. اقتصاد، علم و تکنولوژی و کسب و کارهای مجازی قربانیان اصلی این طرح تنگ نظرانه خواهند بود. تصویب این طرح، تحریمی شدیدتر بر روی تحریمی است که آمریکا به اقتصاد ما تحمیل کرده است و اثرات تحریم‌های خارجی را تشدید خواهد کرد.

به ضرر جامعه



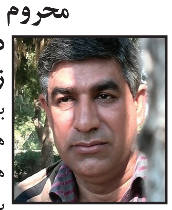
علی اسماعیلی: باید دید طرح صیانت قرار است از چه چیزی صیانت کند؟ فضای مجازی تاکنون مهمترین بستر افشای فسادها، رانت ها و آگاهی رسانی به جامعه بوده است (پیشروتر از رسانه های کاغذی، دیداری و شنیداری). طرح مذکور قطعا در مقابل هر آن چه منظور طراحان هست قرار است صیانت نماید، ناخواسته شامل این مبارزه با فساد و آگاهی رسانی نیز خواهد بود که به ضرر جامعه ما خواهد شد.

کارکرد ضد صیانت



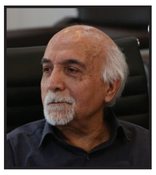
دکتر زهره عالی نسب: ما در وضعیت وارونگی زندگی می کنیم. کلمات از معنا تهی گشته اند. زمانی که کلمات از معنا، تهی شوند، زیست اجتماعی، شرایطی باژگونه پیدا می کند و وضعیتی که در آن زیست می کنیم به وضعیتی وارونه تبدیل می شود. در این وارونگی، قوانین وضع شده، طرح ها، لوایح، موارد اجرایی و ... معنایی متضاد خود پیدا می کنند و در نتیجه ی این وضعیت، جامعه به نومیدی، استیصال و درماندگی کشیده می شود. این طرح یعنی طرح صیانت از فضای مجازی هم درست، ذیل این وضعیت، معناپذیر است. در واقع، هر طرحی که جلوی گردش آزاد اطلاعات را بگیرد و جامعه را از این آزادی، محروم سازد، کارکردش علیه صیانت است. در این وضعیت، جامعه به سمت خبرهای گزینشی کشیده شده و سانسور از وضعیت اعمال به شرایط پیش گیری و انسداد سوق داده می شود. بدون شک، اجرای این طرح، نتیجه ای ، جز یاس و سرخوردگی بیشتر و ایجاد فاصله ای افزون تر میان مردم و حکومت چیزی دیگر به ارمغان نمی آورد.

محروم کردن جامعه



دکتر جمال الدین عارف زاده: پیشرفت علم و دانش به مسیر خود ادامه می دهد، همچون رودخانه ای قوی که هر مانعی را از سر راه خود برمی دارد، باید یاد گرفت چگونه می شود از این ظرفیت علمی بهره برداری مفید و به نفع جامعه از هر جهت انجام داد. جامعه را نمی توان از دستاوردهای علمی و پیشرفت تکنولوژیک محروم کرد زیر این دو برای بقاء در جامعه جهانی امروز لازم و ملزوم یکدیگرند و نیازمند به حذب هم هستند و لذا هر دو مسیر رسیدن به یکدیگر را بالاخره پیدا خواهند کرد. حالا یا با اینترنت جهانی یا فیلتر شکن و یا هر ابزار دیگری، بهتر است زمان و اعتبار را صرف کار بی نتیجه نکنند و به جایش ظرفیت سازی نمایند انسانها به شدت نیاز به توسعه ارتباطات بدون محدودیت جهت بقا در جامعه جهانی هستند و اقتصاد الکترونیکی به عنوان یک رویکرد جدید اقتصادی در جامعه جهانی و فردی انکار ناپذیر است.

منع برای مردم



حسین حشمتی: اینترنت و فضای مجازی ابزار نوین ارتباطات و مورد استفاده ی همه ی مردم از جمله خود نمایندگان مجلس است، مگر می شود خودشان استفاده کنند اما برای مردم قانون منع استفاده تصویب نمایند؟ فناوری های جدید ارتباطی مورد نیاز و علاقه ی ملت است که با تصویب نامه و دستور نه تنها از بین نمی رود بلکه بیش از پیش استفاده خواهدشد.

حذف مسئله



سیروس بنه گزی: طرح صیانت از فضای مجازی مجلس، نشانه ی شکست و استیصال دستگاه های مسئول تبلیغات و ایدئولوژیکی برای یکپارچه سازی نظر و آرای مردم خصوصا نسل های دوم و سوم انقلاب است. این طرح هیچ مفهومی ندارد جز این که دوباره به جای حل کردن مسئله، به سمت حذف و پاک کردن مسئله رفته اند. مسئولان باید تا کنون متوجه شده باشند که اگر در گذشته از مبارزه با نوار کاست و ویدئو و ماهواره و بگیر و ببندهای شهروندان، نتیجه ای گرفته اند در طرح و تصویب صیانت از فضای مجازی هم موفق خواهند شد.

دل نگرانی برای کسب و کار



محمد حیاتی: به نظر بنده هر تصمیمی که به اکثریت یک کشور و جامعه ارتباط داشته باشد قبل از این که بخواهد تصمیمی لحاظ شود باید زمینه های آن فراهم و جزئیات آن برای مردم بیان شود. تفاوتی ندارد که این طرح قرار است وضعیت را بهتر کند یا بدتر. و متاسفانه نمایندگان مجلس توضیحات شفافی هم به مردم نداده‌اند و این مهم دل نگرانی برای مردم و کاسبان این فضا در میدان کسب و کار ایجاد کرده است. باید قبل از ورود هر فناوری به کشور و جامعه، فرهنگ سازی و بستر سازی آن آماده شود، در غیر این صورت آسیبهای آن بسیار بیشتر از محاسن آن خواهد بود.

مقاومت در برابر مدرنیسم



حسن احمدی: از زمانی که انقلاب صنعتی در جهان شیوه زندگی مردم برخی کشورها را داشت دگرگون می نمود در کشور ما، اما، عده‌ای حاضر به پذیرش ورود به دنیای مدرنیسم نبودند. مردم ایران بارها شاهد مقاومت ها و ممنوعیت ها توسط حکومت ها بودند هرچند با گذر زمان ممنوع کنندگان با استفاده از همان کالای ممنوع کرده شان، مهر شرمندگی بر پیشانی خود حک کرده اند، اما همین محدودیت ها سالها کشور ما را به عقب رانده است. طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی که این روزها در مجلس شورای اسلامی مطرح شده است را نیز می توان ادامه همان مقاومت‌هایی دانست که بارها در برابر مدرنیسم صورت گرفته است، هرچند سرنوشت این طرح پس از تصویب نیز چیزی جز شکست نخواهد بود، اما نمایندگان مردم در مجلس باید بدانند که اثرات این طرح محدودکننده هم بر زندگی تک تک مردم ایران می تواند تاثیر منفی داشته باشد و هم به عنوان یک طرح متحجرانه و واپسگرایانه در کارنامه ی آنان ثبت خواهد شد و دیری نخواهد گذشت که به مانند گذشته، مهر شرمندگی بر پیشانی عده‌ای دیگر حک خواهد شد.

عواقب ناخوشایند



زیبا هوشیار: اصل ۸۵ قانون اساسی «نمایندگی قائم به شخص است و هیچ نماینده ای نمی تواند اختیار قانونگذاری را به دیگری واگذار نماید مگر در صورت ضرورت، با رعایت اصل هفتاد و دوم قانون اساسی به کمیسیون های داخلی خود تفویض نماید»

طرح صیانت از فضای مجازی در دولت قبل توسط مجلس انقلابی مطرح گردید ولی به لحاظ انعکاس عدم رضایت مردم و افکار عمومی به تعویق افتاد ولی متاسفانه با یکدست شدن روسای سه قوه در نظام، دوباره مطرح گردید، در حالی که این طرح غیر منطقی و خلاف منافع عمومی است.

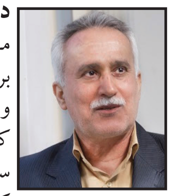
با توجه به این که در سراسر دنیا، فضای مجازی، علاوه بر استفاده های دیگر، محلی برای امرار معاش و کسب در آمد عده زیادی از مردم می باشد، قطعا پافشاری و اصرار تعدادی از نمایندگان به تصویب این طرح، با وجود عدم رضایت مردم، عواقب ناخوشایندی را شاهد خواهیم بود، ایکاش به جای اصرار و تعصب به تصویب این طرح، وضعیت معاش مردم را در نظر می گرفتند و برای آن برنامه ریزی می کردند و مهمتر این که چگونه ضرورت تصویب این طرح را تعریف کرده اند که تصویب آن را به کمیسیون های داخلی مجلس واگذار کرده اند.

صیانت های واپس گرایانه



عبدالرحیم کارگر: آزموده را دوباره آزمودن خطاست... نزدیک به دو قرن است که عده ای تحت عنوان صیانت با دست آوردهای بشری به خصوص غرب به مقابله و مجادله بر خاسته اند. یک روز به بهانه ی صیانت از دین، روز دیگر صیانت از حریم خانواده و امروز صیانت از فضای مجازی دغدغه کسانی بوده است که همواره می خواهند مردم را حقیر و صغیر بدانند؛ غافل از این که مدرنیته و ره آوردش خود را تحمیل می کند و دستور بردار نیست. از شیر حمام گرفته تا میکروفون، موز، رادیو، تلوزیون ، ویدیو و ریسور از جمله ابزار و اموری بودند که روزی ممنوع شدند و پس از مدتی الزام خود را بر جامعه و قشریون تحمیل نمودند. مگر می شود جلوی موج های ماهواره ای رو گرفت؟ مگر می شود قانون را بر عرف برتری داد؟ مگر می شود در دیروز ماند و با امروز به مقابله برخاست؟ مگر می شود نماینده ی مردم بود و خواسته های همین مردم را نادیده گرفت؟ و ده ها نمی شود های دیگر که بارها آزموده اند و به در بسته خورده اند. واپس گرایان باید بدانند آزموده را آزمودن خطاست و این ره که می روند به ترکستان است.

آب در هاون کوبیدن



دکتر امان اله شجاعی: مهم نیست که چه عنوانی برای آن انتخاب کرده اند و یا در نهایت چه خواهند کرد، بلکه آن چه مهم است، سر جنگ با مواردی است که اسرار هویدا می کنند.

در کشورهایی که حداقل در امور داخلی خود به درجه ای از دموکراسی باور دارند، احزاب و روزنامه ها در همان حد و اندازه آزادند. ولی در کشورهایی که به این مهم باور و اعتقادی ندارند، احزاب بسته و یا منزوی می شوند و بار حزب را هم روزنامه ها بر دوش می کشند به همین دلیل، آن ها هم دادگاهی و یا بسته می شوند. در نهایت در حال حاضرکه شبکه های مجازی با کمک اینترنت مرزها را در نوردیده اند، این شبکه ها بار احزاب و روزنامه ها را بر دوش دارند و به همان دلیل پیش گفته، می بایست تحت کنترل و یا تعطیلی قرار گیرند و یا به گونه ای با آن رفتار شود که از حیز انتفاع خارج شوند. اما باز هم این تمهیدات بی نتیجه خواهد بود و به مثابه آب در هاون کوبیدن است.

عقب ماندن از قافله ارتباطات جهانی



دکتر فرزان اسدی: طرح صیانت با پیگیری از یک شیوه به خصوص، دیدگاه‌های جریان سیاسی تندرو را مشخص و تقویت می‌کند و شاید از آن مهمتر، با مداخله در ساختار خدمات اینترنتی به دنبال باز توزیع منافع اقتصادی کلان است. این که در محتوای مطالبی که در فضای مجازی نشر داده می شود کنترل و نظارت صورت بگیرد موضوعی قابل دفاع و بر همگان این مسئله روشن و واضح می باشد، اما با اجرای این طرح هدف مورد نظر محقق نخواهد شد و جامعه پذیرای چنین طرحی نیست چون جامعه در این دنیای ارتباطات و دهکده جهانی بوجود آمده حاضر به برگشتن به عقب نبوده و لزومی هم نمی بیند که از قافله ارتباطات جهانی عقب بماند. لازم به ذکر است با توجه به تاکیدات قانون اساسی مبنی بر اصل آزادی اطلاعات، این طرح به نوعی با این اصل مغایرت دارد.

فیلتر بجای تقویت



هلنا سعادتمند: امروزه با پیشرفت جوامع بشری و عصر ارتباطات که کل جهان به دهکده ای تشبیه می شود باید ببینیم سهم کشور ما در این میان چه اندازه می باشد؟

متاسفانه به جای این که زیرساختها را قویتر کنند و امکانات لازم برای آموزش نسل جوان را فراهم کنند هنوز می خواهند از بُعد امنیتی به این موضوع نگاه کنند به جای افزایش پهنای باند و سرعت در ردوبدل کردن اطلاعات و توسعه زیرساخت در شبکه های اجتماعی به فکر فیلتر کردن هستند.

به جای فیلتر و پرداختن به چنین موضوعی می توانند به مسئله تورم و گرانی و عدم اشتغال جوانان بپردازند و نگران فضای مجازی نباشند که بخواهند طرح صیانت راه اندازی کنند. هم اکنون بسیاری از طریق فضای مجازی به کسب و کار مشغول هستند اگر قرار باشد به نام صیانت از فضای مجازی کنترلی صورت بگیرد به جز نومیدی بیشتر در نسل جوان دستاورد دیگری نخواهد داشت. زیبنده نیست نمایندگان به جای هزاران درد بی درمانی که جامعه ما در حال حاضر با آن روبروست دغدغه شان صیانت از فضای مجازی باشد

در کنار مردم بایستید



دکتر سعید معدنی: برخی مفاهیم هستند که دقیقا ضد خود معنا می‌یابند مثل مدرسه یا دانشگاه غیر انتفاعی. در حقیقت هدف از ایجاد این نوع مراکز دقیقا انتفاع و سود بردن است.

طرح موسوم به " صیانت از فضای مجازی" به باور بسیاری هدف صیانت نیست بلکه محدود سازی است اما به اسم مثبت آمده است. بنا به گفته یکی از نمایندگان مجلس "حتی اگر میلیون ها نفر هم مخالف باشند، کار خودمان را انجام می دهیم". یعنی نظر مردمی که قرار است از آنان صیانت شود مهم نیست! مهم تصمیم اقلیت است که باید اکثریت بپذیرند.

اگر این طرح مورد رفراندوم قرار گیرد قطعا اکثریت جامعه آن را رد خواهند کرد. زیرا جهان امروز جهان گردش آزاد اطلاعات است. فقط معدود کشورهای کمونیستی سابق مثل چین و کره شمالی و امثالهم چنین طرح هایی را پیگیری می کنند.

اگر این قانون تصویب شود، قطعا اکثریت جامعه تبعیت نکرده و راهی برای دور زدن آن پیدا خواهند کرد، مثل ممنوعیت ماهواره، فیلتر کردن برخی اپلیکیشن‌ها و غیره که مردم دهن کجی کرده و قانون را نادیده می گیرند.

با توجه به تجربه چهل ساله انقلاب پیشنهاد می شود؛ به جای جلو مردم ایستادن، در کنار آنها بایستید.

تضییع حقوق کاربران



محمد شاکری مطلق: طرح صیانت اینترنت که به تازگی با تغییر عنوان به طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» شهره شده، در صورتی که در راستای بهبود زیست عموم مردم و ارتقا کارآمدی آن گام بر می داشت بی شک اعتراض های چالش برانگیز مردم را به همراه نداشت. اما گفته های اعضا کمیسیون طرح و پیش نویس های ارائه شده، طرح فوق از اعمال محدودیت های محسوس و ایجاد لایرنت های تامل برانگیز بر فضای مجازی حکایت می کند. این محدودیت ها برخلاف ادعای عنوانی طرح، حقوق کاربران در بسترهای فراهم شده فضای مجازی بویژه حوزه کسب و کار را تضییع می کند و با تغییر نقش راهبری و پشتیبانی مردم و دولت توسط قانون گذار آرامش ذهنی کاربران را برهم می زند.

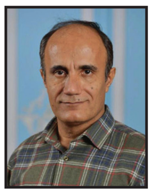
برخورد با اینترنت



حسین روئین: این طرح می تواند ایجاد اشکالات عدیده ای در روند امور اقتصادی فکری فرهنگی کشور ومردم ایجاد نماید.

امروزه در دنیای مدرن، اکثرمبادلات و معاملات و معادلات توسط اینترنیت انجام می پذیرد، لذا خدشه برآن، کُند کردن آن لطمات جبران ناپذیری به روند اجرایی کشور و زندگی مردم وارد می کند، مضاف بر آن این که امروز با توجه به تمام انسدادهای موجود و تحمیل تنگناهای کرونایی، قشرعظیمی از بدنه جامعه به خصوص جوانان تنها تفریح فکری علمی روحی شان بوجود اینترنت وابسته شده است و برخورد با آن و محدود کردنش صیانت نیست بلکه حماقت است.

مخالفت با چرخش آزاد اطلاعات



دکتر رسول هاشمی: در دنیایی که چرخش آزاد اطلاعات از اصول اولیه حقوق شهروندی است، طرحی که با عنوان صیانت از حقوق کاربران در مجلس مطرح شده زیرپا گذاشتن و نادیده گرفتن همین اصل اولیه است. از طرفی دیگر ظاهرا یکی از دغدغه های طراحان چنین طرحی مقابله با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمنان و صیانت از فرهنگ دینی و اعتقادی مردم است. اما جای این پرسش همچنان باقی است که بعد از چند دهه شکست سیاست های محدودسازی و تصویب طرح های متعدد در زمینه محدودیت وسایل ارتباطی مانند ویدیو و ماهواره، آیا چنین طرحی در اجرا به سرنوشت دیگر طرح های شکست خورده مبتلا نخواهد شد؟ و اینکه چگونه می‌توان محتوای خوب و بد را تفکیک کرد؟ و اصولا آیا نگهبانان فضای مجازی فرشته اند و مصون از خطا؟ و ده ها پرسش دیگر.

طرحی محکوم به شکست است



رضا نکیسا : طرح "صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی" طی چند مدت گذشته با مخالفتهای قاطبه بخش فعال جامعه در این حوزه مواجه شده است. علت این نارضایتی ها بی دلیل هم نیست، اکثر فعالین در این حوزه اعتمادی به این گونه تصمیم گیری ها ندارند، چون در فضای شفافی این طرح توسط کارشناسان بی طرف بررسی نشده است.

نکته دیگر نیز بر می گردد به کسب و کارهایی که در این پلتفورم شکل گرفته و جایگزینی مناسبی هم در حال حاضر برای آن متصور نیستند. در شرایط حاضر اکثریت مردم می پرسند اکنون که مملکت گرفتار بی کاری، تورم، و مشکلات عدیده است، چرا اولویت نمایندگان مجلس طرحی است که جایگزین مناسبی هم برای آن ندارند؟

امروزه در دنیای مدرن و حکمرانی فناوری های نوظهور مبارزه با اینترنت و فضای مجلس وقت تلف کردن، و بازی با روح و روان جامعه است. این طور نباشد که مردم فکر کنند که نمایندگان مجلس شورای اسلامی اغلب بجای رفع دغدغه مردم، دقیقا به فکر ایجاد دردسر، گرفتاری و نگرانی برای مردم هستند. در عصر انقلاب دیجیتال، ایجاد اخلال در شبکه های اجتماعی و بسترهای ارتباط جمعی، رفتار و عملکردی نیست که بتواند افکار عمومی جامعه را متقاعد کند. به گواه تاریخ تمامی رفتارهایی از این دست در تمامی دوره های گذشته محتوم و محکوم به شکست بوده و این طرح نیز از این قائده مستثنی نیست.

طرح ساماندهی شبکه های مجازی جز این که کسب و کارهای مجازی را با مشکل مواجه کند و بر خیل بیکاران و ناراضیان از وضع موجود بیشتر کند دستاوردی دیگر نخواهد داشت.

هر طرحی بدون همراهی مردم هم محکوم به شکست است، اگرچه در کوتاه مدت، دقیقا فقط به طور کوتاه مدت ممکن است متوالیان طرح را خرسند کند.

به باور نگارنده آن چه حاصل این طرح است بی اعتمادی و نارضایتی بیشتر مردم خصوصا نسل جوان و آنان که هزینه زندگی خود رو از این بستر تهیه می کنند و ضرر آن بیش از منافع اش است.

طرحی در جهت عکس شفاف و سالم‌سازی فضا



اسماعیل منصورنژاد

طرح صیانت اینترنت یک تلاش بی‌نتیجه برای سرپوش گذاشتن بر واقعیت‌هایی است که در دنیای آزاد درز پیدا می‌کند و خوشایند برخی نیست. وقتی دیدند طرح فیلترینگ اینترنت جز هزینه‌های کلان مادی و معنوی هیچ سودی نداشته است، به این طرح پناه برده‌اند.

البته منظوم این نیست که هرآن چه درباره حاکمیت، دین، سیاست و... در فضای مجازی دست به دست می‌شود، عین واقعیت است. این طرح با هر هدفی که نوشته شده باشد، حتی در کوتاه مدت هم نمی‌تواند باعث آرامش خاطر طراحان پیدا و پنهان آن شود و خیلی سریع نه تنها عملاً از اعتبار ساقط می‌شود، بلکه نتیجه عکس هم می‌دهد و اثرات منفی آن به مراتب شدیدتر از قبل خواهد بود. فضای حاکم بر افکار عمومی در ایران که اغلب برآمده از تبادل اطلاعات در فضای مجازی است، خوشایند دست‌اندرکاران این طرح نیست و بر همین اساس می‌پندارند اگر فضا را بسته و محدود کنند، راحت می‌شوند. این یک نتیجه‌گیری کاملاً کودکانه است.

اگر بر اساس این طرح بچه‌گانه فضا بسته شود، «در هر حال» (تأکید می‌کنم در هر حال) راهی برای درز اطلاعات پیدا می‌شود و از آن پس حتی مطالب دروغ و شایعات نیز شدیدتر از قبل به عنوان واقعیت تثبیت می‌شوند. به همین دلیل هرچه فضا بازتر باشد، ضمن طرح واقعیت‌ها و جدی گرفتن آن‌ها برای از بین بردن کاستی‌ها، شایعات و دروغ‌ها نیز بی‌اثر می‌شوند. مثالی تاریخی بزنم: تا کنون ۲هزار جلد کتاب علیه مسیحیت نوشته شده و همه جا نیز در اختیار همه است. اگر در مقابل یکی از این کتاب‌ها صف‌آرایی می‌کردند و جلو انتشار آن را می‌گرفتند و یا بعد از انتشار آن را جمع می‌کردند، راست و دروغ با هم قاطی و زیر عنوان «واقعیت» مطرح می‌شد و اثر چندانی از مذهب مسیحیت در جهان باقی نمی‌گذاشت.

با این وصف، آن چه که طراحان به دنبال آن هستند، خواسته یا ناخواسته کاملاً در جهت عکس شفاف و سالم‌سازی فضا است و به جای صیانت، ضربات بیشتری وارد می‌کند. البته طراحان مدعی‌اند که این طرح ربطی به محدودسازی اینترنت و فضای مجازی ندارد و هدفش جلوگیری از محتواهای نامناسب و غیراخلاقی و صیانت از کاربران در برابر کاهبرداران و... است. این ادعا پایه و اساس درستی ندارد و یک بهانه بیش نیست. هیچ کاری هم در این رابطه نمی‌توانند انجام دهند؛ مگر این که اینترنت را از اساس قطع کنند که فقط در کوتاه‌مدت جواب می‌دهد. به نظر می‌رسد طراحان در این باره صداقت ندارند که واقعیت را با مردم مطرح کنند. اگر دغدغهٔ طراحان این است، از خودشان بپرسند چگونه یک زندانی ۲۳ ساله با ۲۳ بار سابقهٔ کیفری همچنان می‌تواند در زندان و با تلفن زندان یا تلفن همراه از مردم کلاهبرداری کند؟! طراحان این طرح که به نظر می‌رسد هیچ اطلاعی از افکار عمومی و ساز و کارهای دنیای جدید ندارند، باید سوابق تاریخی این گونه طرح‌ها را هم در نظر بگیرند: ۱ـ طرح جمع‌آوری نوارهای کاست خوانندگان از ماشین‌ها که در اول انقلاب اجرا شد، کاملاً شکست خورد و به ضد خود تبدیل شد. ۲ـ طرح جمع‌آوری دستگاه‌های پخش ویدیویی کاملاً شکست خورد و به ضد خود تبدیل شد. ۳ ـ طرح جمع‌آوری دستگاه‌های گیرنده امواج ماهواره‌ای کاملاً شکست خورد و این هم به ضد خود تبدیل شد. ۴ـ طرح فیلتریزه کردن اینترنت کاملاً شکست خورد و باعث شد حتی دروغ‌ها و شایعات نیز به عنوان واقعیت‌های قابل باور مطرح شوند.طرح «صیانت از فضای مجازی» قبل از اجرا شکست خورده است. مطمئن هم نیستم کسی در اطراف آن‌ها پیدا شود که به طراحان بفهماند به شدت شکست می‌خورند.

دکتر طالب موذنی استاد بوشهری دانشگاه عمان، در مصاحبه با نسیم جنوب:

دانشجویان بیش از آن چه که در دانشگاه می آموزند، در فضای بیرون و خصوصا از منابع آنلاین بیاموزند

طالب مؤذنی، فرزند استان بوشهر، زاده شهرستان جم، دانشیار دپارتمنت الکترونیک و مخابرات دانشکده گلوبال مهندسی و تکنولوژی دانشگاه وست انگلند در عمان، دانش آموخته دکتری مهندسی برق، مخابرات از دانشگاه نوادا، لاس وگاس آمریکا، کارشناسی ارشد ابزار دقیق و اتوماسیون از دانشگاه صنعت نفت و کارشناسی برق، الکترونیک از دانشگاه شیراز است. ایشان با انتشار و ارایه بیش از بیست مقاله در ژورنال ها و کنفرانس های معتبر بین المللی و ارایه حدود ده طرح علمی (پروپوزال) در آمریکا، داوری مقالات در سه ژورنال معتبر مهندسی برق مخابرات و ثبت یک اختراع در اداره ثبت اختراعات علمی و مالکیت معنوی آمریکا در زمینه طراحی پالس های فشرده مخابراتی، توانسته به عضویت ارشد مؤسسه جهانی مهندسان برق و الکترونیک موسوم به IEEE نایل شود. تخصص وی در توسعه الگوریتم های پردازش سیگنال برای سیستم های مخابراتی است.
وی در برهه هایی از دوران تحصیل خود ضمن پرداختن به مطالعات اجتماعی، یادداشت هایی در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی و آموزشی و مسایل استانی و منطقه ای نگاشته که بعضی از آنها در جراید استان به چاپ رسیده است. با ایشان گفت و گویی کردیم که بدینوسیله از نظر خوانندگان می گذرد.



- با شروع فصل جدید تحصیلی، دانشگاه ها آموزش مجازی را شروع کردند. به نظر می رسد علیرغم گسترش آموزش عالی در ایران، دانشگاه ها نتوانسته اند نقش تاثیرگذاری در روند توسعه کشور در ابعاد فنی، صنعتی، اجتماعی و اقتصادی و ... داشته باشند نظر شما چیست؟

-به عقیده بنده، گسترش آموزش عالی در کشور همراه با برنامه های آموزشی جدید متناسب با نیاز جامعه نبوده است. اگر در جایی مؤسسه آموزش عالی جدیدی تأسیس شده، معلوم نبوده که در پاسخ به کدام مساله و یا کدام نیاز فنی، صنعتی و اقتصادی جامعه اتفاق افتاده. همان خط مشی، همان برنامه آموزشی و همان اهدافی که دانشگاه های سابق دنبال می کرده اند، دانشگاه ها و رشته های جدید هم دنبال می کرده اند. به نظر می رسد توسعه آموزش آموزش عالی صرفاً برای افزایش پذیرش دانشجو و ایجاد مشاغل دانشگاهی بوده است. از طرفی پیشینه وضعیت نامساعد سواد عمومی و امکانات آموزشی در کشور، ایجاب می کرده که دانشگاه های مطرح و باسابقه کشور بیشتر نقش پرورش نیروی انسانی ایفا می کنند و همواره با این نگاه پیشینی، این دانشگاه ها پیش می آمده اند. با این نگاه نباید زیاد توقع تاثیرگذاری در روند توسعه کشور داشت.

- دلایل این عدم موفقیت را در چه می دانید؟

- البته درست نیست که بار توسعه یک کشور در ابعاد مختلف را زیاد بر دوش دانشگاه های آن کشور بگذاریم. به جز کشورهای آمریکا و انگلستان، اگر به کشورهای پیشرفته صنعتی و اقتصادی چون ژاپن، آلمان و فرانسه نگاه کنیم می بینیم که تعداد دانشگاه های مطرح آنها در بین صد دانشگاه برتر جهان از تعداد انگشتان یک دست هم کمتر است. اما این که چرا در کشور ما دانشگاه ها در این عرصه ها موفق نبوده اند، یک علتش همان متناسب نبودن برنامه های آموزشی آن ها با نیازهای جدید کشور است. علت دیگر پایین آمدن کیفیت آموزش است که می توانم در جای دیگری این مساله را بیشتر باز کنم.

- ایام دانشجویی بهترین زمان دانش اندوزی دانشجویان در دانشگاه است. در این زمان دانشجویان در زمینه دانش اندوزی باید متوجه چه مسایلی باشند؟

- اول این که در مورد این سوال ساده ولی کلیدی شما، بنده بر خلاف سال های تحصیلم، چند سالی است که به جواب متفاوتی رسیده ام. می دانم که تقریباً همه فعالان اجتماعی و سیاسی با این نظر مخالف هستند ولی به این باور رسیده ام که دانشجو در زمان دانشجویی فقط و فقط باید درس بخواند و ذهنش را درگیر هیچ مساله غیر درسی و بیرون از دانشگاه نکند. نه از این جهت که دیده ام توجه به مسایل غیر درسی و انجام فعالیت های خارج از حوزه درس و تحصیل، فایده نداشته و فقط هزینه داشته، بلکه از آن جهت که پرداختن به موضوعات غیر درسی خواه از نوع فعالیت اجتماعی و فرهنگی باشد خواه اقتصادی، بر کیفیت یادگیری و توان علمی دانشجو به شدت تاثیر منفی می گذارد. ما در این دورانی که تعداد دانشجو و ظرفیت های پذیرش به شدت افزایش یافته، به شدت نیاز به دانش آموخته ی با بار علمی بالا داریم.
دوم این که اگر قبول کنیم که دانشجو فقط باید سرش تو درس خودش باشد، آن وقت بهتر است که رویکردش به یادگیری، رویکردی مساله محور باشد طوری که با تحقیق در رشته تحصیلی خود ببیند که در حال حاضر مسایل اصلی رشته تخصصی اش در جامعه چیست آن گاه با این نگاه توجه خود را روی آن مسایل معطوف کند.

- اگر بخواهید مصداقی تر بگویید، تمرکز دانشجویان با توجه به تغییرات روزافزون علوم باید بر روی چه چیزهایی باشد؟

- ما همیشه در دوران دانشجویی علاوه بر امتحانات نهایی، از طرف اساتیدمان تحقیق و یا پروژه های درسی به صورت انفرادی و یا گروهی محول می شد که معمولا بروز بودند که می توانستند منجر به یک طرح علمی برای حل یک مساله فنی باشند. همین عناوین می تواند یکی از آن موارد مطالعاتی باشد که می طلبد دانشجویان روی آن بیشترین تمرکز را داشته باشند. برای مثال مسایل و چالش هایی که در صنایع مختلف و یا حتی در رشته های علوم انسانی در سازمان ها و شرکت های دولتی و خصوصی داریم.

- با توجه به تغییرات روزافزون تکنولوژی و رشد علوم، دانشجویان در ایام تحصیل باید چه مهارت هایی پیدا کنند؟

- در دنیای جدید، به موازات پیشرفت علم و تکنولوژی شاهد پیدایش شاخه هایی از علم موسوم به علوم بین رشته ای هستیم. مثل این که شاخه های درختان علم آن قدر بزرگ شده اند که نه تنها به هم رسیده اند، بلکه با هم پیوند خورده اند و با این پیوند، شاخه های جدید سر بر آورده اند. سر در آوردن دانشجو از این شاخه های جدید می تواند یکی از عوامل موفقیت آن ها باشد. با این واقعیت، دانشجویی موفق تر و ماهرتر است که اشرافی حداقلی بر اصول و مبانی یک یا دو رشته نزدیک به رشته خود داشته باشد. علاوه بر این، مهارت های خواندن و نوشتن به زبان انگلیسی در سطح متون تخصصی خود با توجه به وفور منابع علمی آنلاین که تقریبا همگی به زبان انگلیسی هستند، از ملزومات پیشرفت علمی در سال های پیش رو است.

- این ضعف در آموزش عالی ایران وجود دارد که بین دانشگاه و دروس آن با بازار و اشتغال ارتباطی کمی وجود دارد. نظر شما چیست؟

- یکی همان مساله عرضه و تقاضا است که آن قدر که دانشگاه ها دانشجو می پذیرند، نیاز به کارهایی با تخصص دانشگاهی وجود ندارد. این از جنبه کمی موضوع است. از جنبه کیفی با یک مساله خیلی ریشه ای تر روبرو هستیم که فقط مرتبط با دانشگاه های کشورمان نیست و کم و بیش تقریبا در تمام دنیا احساس می شود و آن اینکه مواد درسی و برنامه آموزشی دانشگاه ها به آن اندازه که صنعت و تکنولوژی پیشرفت کرده است، به روز نشده اند. علت این بروز نشدن هم این است که از یک طرف دانشگاه ها نمی توانند یک سری از دروس پایه و اصول که مبانی اصلی یک علم را تشکیل می دهند و دهه هاست که در دانشگاه ها تدریس می شود را حذف کنند که البته کار کاملا درستی است. از طرف دیگر سقف سنوات تحصیلی رشته های دانشگاهی جایی برای اضافه کردن دروس جدید مبتنی بر نیازهای جدید صنعت و بازار نمی گذارد. زمانی که تدوین کنندگان برنامه های آموزشی دانشگاه سیستم چهارساله را طراحی کردند، قطعا علم و تکنولوژی تا این حد پیشرفته نبود و دانشگاه می توانست به تنهایی حتی فراتر از زمانه خود، علوم زمانه را کامل ارایه بدهد و برای رشته های فنی هم دوره های کارآموزی در سال آخر تحصیل تعریف کند. اما امروزه آن برنامه ها و آن دروس به تنهایی کافی نیستند. پیشنهاد خودم افزایش طول برنامه های آموزشی در دوره کارشناسی در بسیاری از رشته ها و افزایش سنوات از چهار سال به شش سال است. معتقدم همانطور که در رشته های پزشکی و دندانپزشکی که رشته هایی عملی و مهارت محور هستند که شش تا هفت سال طول می کشند، رشته های فنی هم در دوره کارشناسی از چهار سال به شش سال افزایش یابد و در سال های آخر واحدهای آموزشی مبتنی بر علوم و یافته های جدید و همچنین واحدهای عملی و صنعتی گنجانده شود. ما البته در هر رشته ای، دوره های کارشناسی ارشد و دکترا هم داریم، ولی این دوره ها غالبا پژوهش محور هستند و آموزشی هم اگر داشته باشند فقط در زمینه تخصصی خیلی خاصی متمرکز می شوند. بحثم در این زمینه مفصل است و دلایل دیگری هم برای پیشنهادم دارم که در اینجا جای طرحش نیست. در نظر دارم در این خصوص طرحی به یکی از مجامع علمی بین المللی ارایه بدهم. فقط اینجا بگویم که توسعه آموزش عالی اگر در این جهت به صورت طولی صورت بگیرد بازدهی بیشتری نسبت به حالت عرضی (افزایش دانشگاه ها و افزودن رشته های موازی) دارد.

- دانشجویان چگونه باید در ایام تحصیل خود را برای بازار کار و اشتغال آماده کنند؟

-بهترین پیشنهادم رفتن به دوره های کارآموزی در شرکت ها و سازمان ها و بازدید از محیط های کاری و صنعتی در حین تحصیل (ایام فراغت) همراه با کار کردن و فراگرفتن حرفه های مورد نیاز در آن واحدها است.

- آیا بسنده کردن به دروس دانشگاه های ایران به طور کلی برای کارشناس و متخصص شدن در رشته های مربوطه، برای دانشجویان کفایت می کند؟

- قطعا نه. نه فقط در ایران، همه جا با توجه به تغییر بازار و جلو بودن تکنولوژی و صنعت و مسایل جدید و جدی دنیا (مستحدثه) نسبت به محتویات دروس دانشگاهی، می طلبد که دانشجو بیش از آن چه که در دانشگاه می آموزد، در فضای بیرون دانشگاه خصوصا منابع آنلاین بیاموزد.

- نظر شما درباره آموزش های مکمل علمی و فنی خارج از دانشگاه که این روزها زیاد شده است چیست؟

- تاسیس موسسه های آموزشی مبتنی بر مهارت های جدید که در سالیان اخیر در کشور ما رایج شده است، نتیجه همان مساله ناکافی بودن آموزش دانشگاهی است که عرض کردم. اگر این مؤسسه ها بتوانند به درستی آموزش های لازم را به فراگیران بدهند، قطعا می تواند در ماهرتر کردن دانش آموختگان دانشگاهی مفید باشد.

- چه توصیه هایی برای دانشجویان در کسب دانش و موفقیتهای علمی دارید؟

- اولین توصیه همانی بود که در ابتدا گفتم: توجه اصلی به درس و تحصیل باشد. دومین توصیه مطالعه منابع آنلاین که مرتبط با رشته و دروس ارایه شده در دانشگاه است که این خود نیاز به توصیه قبل تری دارد که همان یادگیری زبان انگلیسی است که قبلا اشاره کردم. توصیه آخرم تسلط یافتن بر حداقل یکی از زبان ها یا نرم افزارهای تخصصی مرتبط با رشته خود است.

- تجربه ای از موفقیت زندگی علمی خود برای دانشجویان بفرمایید.

- از نظر خودم تنها موفقیت زندگی علمی ام مشغول شدنم در دانشگاه به عنوان عضو هیات علمی است. خودم موفقیت را در تعریف جدیدش رسیدن به هدفی که از قبل تعیین کرده ام می دانم، ولو آن که آن هدف برای دیگران کوچک و راحت باشد. به لحاظ اعتقادی و اخلاقی به این اعتقاد دارم که همان طور که در فرهنگ ایرانی، اسلامی ما طمع کردن در ثروت، قدرت، شهرت و شهوت، نکوهیده است، طمع در موفقیت علمی هم ناصواب است. همواره برای اهداف علمی ام حد می گذاشته ام. مثلا نوشتن یک تا سه مقاله علمی در سال، نوشتن یک کتاب در عمر، اجرا و تحقق یک اختراع علمی در طول عمر، حل یک مساله حل نشده علمی در طول عمر. آن وقت، هر وقت به هر کدام از این ها برسم، آن را موفقیت علمی می دانم.

- سخن پایانی.

- تشکر می کنم از نشریه وزین نسیم جنوب. هم به خاطر در اختیار قرار دادن این موقعیت که توانستم تا حدی با جامعه علمی استانم ارتباط برقرار کنم و هم بابت طرح سوالات امروزی و متناسب با نیاز روز جامعه مان. امیدوارم این ارتباطات و این ابتکارات ادامه یابد.

دکتر حسین اسکندری استاد دانشگاه خلیج فارس بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

دانشجویان در کسب علم از فرهنگی فعال و کنشگر برخوردار شوند

حسین اسکندری دانش آموخته دکترای تخصصی مهندسی مواد (متالورژی) از دانشگاه تهران و دانشیار پایه ۳۳ دانشگاه خلیج فارس منتخب دو دوره استاد نمونه آموزشی دانشگاه و دارای چندین مورد اختراع ثبت شده و تایید شده علمی، مجری چندین طرح پژوهشی درون و برون دانشگاهی، چاپ یک مورد کتاب کاربردی با عنوان " مقدمه ای بر جوشکاری در صنایع کشتی سازی" انتخاب به عنوان رییس نمونه کمیته های فنی تدوین استاندارد در استان و مشارکت در بیش از ۱۰ مورد تدوین استاندارد ملی که دو مورد در حوزه فناوری نانو بوده و ارایه و چاپ ده ها مقاله در کنفرانس های ملی و بین المللی و ژورنال های معتبر علمی و چندین مورد مقالات پراستناد با کیفیت Q1 ; موسس و مسئول انجمن فناوری نانو شعبه استان بوشهر ؛ به عنوان اولین شعبه استانی تاسیس شده در کشور می باشند. با ایشان گفت و گویی کردیم که بدین وسیله از نظر خوانندگان می گذرد.



- با شروع فصل جدید تحصیلی، دانشگاه ها آموزش مجازی را شروع کردند. به نظر می رسد علیرغم گسترش آموزش عالی در ایران، دانشگاه ها نتوانسته اند نقش تاثیرگذاری در روند توسعه کشور در ابعاد فنی، صنعتی، اجتماعی و اقتصادی و ... داشته باشند نظر شما چیست؟

- پاسخ دقیق به این سوال مستلزم مطالعه و تحلیل سیر تحولات نهادهای دانشگاهی و آموزش عالی در ایران در قرون گذشته است و در این کلام مختصر جواب بلی یا خیر نمی تواند حق مطلب را ادا کند؛ اما از این که با توجه به تحولات شتابان جهانی علم و فناوری و تاثیرات شگرف آن در ابعاد مختلف زندگی بشر و جوامع مختلف دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی ما نتوانستند انتظارات به حق جامعه را در نقش آفرینی کارآمد در توسعه متوازن و پایدار کشور در تمام حوزه‌های بنیادی و کاربردی؛ تمام و کمال محقق سازند شکی نیست.

_ دلایل این عدم موفقیت را در چه می دانید؟

- می توان به عواملی در حوزه رفتاری؛ محیطی و ساختاری دانشگاه ها اشاره کرد که بعضی از اهم آنها عبارتند از:

۱- عدم تحقق کامل استقلال علمی و مدیریتی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی و تحقیقاتی و عدم مشارکت فراگیر و جامع دانشگاهیان در انتخاب مدیران در سطوح بالای مدیریتی وزارت خانه های مربوط و دانشگاه ها

۲- شناخت و گذار ناقص نهاد دانشگاه به عنوان یک نهاد مترقی با کارکردهای اجتماعی از نسل اول به نسل سوم و عدم آمادگی لازم در بکارگیری دانش و توسعه فعالانه اقتصاد دانش بنیان و اجتماعی و به عبارتی گذر به نسل چهارم دانشگاه ها با رویکرد جامعه محوری

۳- غالب بودن روحیه مدرک گرایی در دانشجویان و در خوش بینانه ترین حالت تلاش جهت " حفاظت از حقیقت" در مقابل روحیه نقادی و روشنگرانه " شناخت حقیقت" در دانشگاه ها و عدم بهره گیری از ایجاد ارزش افزوده از آموزش و پژوهش

۴- وابستگی شدید مالی دانشگاه ها به دولت

۵- عدم توجه لازم و کافی به توسعه متوازن علوم مختلف در دانشگاه ها به ویژه علوم انسانی و علوم بین رشته ای

۶- عدم تناسب و همگرایی بین برنامه های راهبردی دانشگاه ها و برنامه های بالا دستی ملی در حوزه توسعه علمی کشور و اقتصاد دانش بنیان و یا به عبارتی عدم توجه به اصل دینامیک سیستمی در توسعه کشور

- ایام دانشجویی بهترین زمان دانش اندوزی دانشجویان در دانشگاه است. در این زمان دانشجویان باید متوجه چه مسایلی باشند و به چه مهارت هایی دست پیدا کنند؟

- می توانم با عنایت به حدیثی از امام علی (ع) که می فرمایند " کسی که اوضاع روز خود را می شناسد در مقابل مقتضیات آن غفلت نمی ورزد" این طور بگویم که:

۱- دانشجو بایستی شرایط روز دانشگاه و اجتماع و محیط پیرامونش را به خوبی بشناسد.

۲- با روحیه نقادی و روشنگرانه در کنار آموزش و پژوهش نسبت به توانمندی ایجاد ارزش افزوده از آنها در خدمت به خود و خانواده و جامعه کوشا باشد.

۳- بهره گیری از تجربه آموزش های مجازی و منتفع شدن از برنامه ها و آموزش های تخصصی و حتی غیرتخصصی از محضر استادان و متخصصان ملی و بین المللی.

۴- یادگیری نرم افزارها و اپلیکشن های کاربردی تخصصی مربوط به رشته و تخصص مورد علاقه خود.

۵- توجه به فناوری های نوین و بین رشته ای و جهت دهی به آموخته های خود در حوزه ایجاد کسب و کارهای نو.

۶ - کسب مهارت قرارگیری در تیم های پژوهشی و نوآور و تلاش جهت راه اندازی هسته ها یا شرکت های دانش بنیان با راهنمایی گرفتن از استادان پیشرو در این حوزه.

۷- فراگیری مهارت های فردی اجتماعی فوق برنامه در حوزه های ورزشی و معنوی و هنر و موسیقی و...

- این ضعف در آموزش عالی ایران وجود دارد که بین دانشگاه و دروس آن با بازار و اشتغال ارتباطی کمی وجود دارد نظر شما چیست؟

- اصولا اگر رویکرد و جهت گیری و توسعه دانشگاه ها همان طور که در جواب به سوال اول اشاره شد متناسب با تغییر و تحولات نسل های دانشگاهی می بود، قاعدتا این تناسب و دینامیک سیستمی نیز پدیدار می گشت. اگر چه همه مشکلات در این مورد را هم نمی توان به گردن دانشگاه ها انداخت بلکه سیاست گذاران و مدیران در حوزه های تقنینی و اجرا و صنایع با هم در نیل به این هدف دخیل هستند.

- دانشجویان چگونه باید در ایام تحصیل خود را برای بازار کار و اشتغال آماده کنند؟

- همان طور که اشاره شد تلاش جهت فراگیری فناوری های نوین و بین رشته ای و جهت دهی به آموخته های خود در حوزه ایجاد کسب و کارهای نو از طریق کار تیمی (Team Work) و راه اندازی هسته های نوآور و توسعه آن در مراحل تکمیلی به شرکت های دانش بنیان.

- آیا بسنده کردن به دروس دانشگاه های ایران به طور کلی برای کارشناس و متخصص شدن در رشته های مربوطه، برای دانشجویان کفایت می‌کند؟

- خیر، نه در ایران و نه در بسیاری از کشورهای دیگر متخصص شدن در یک رشته بدون استفاده و بهره گیری از دانش های مهارتی و کاربردی تضمین شده نیست. حتما نیاز به دوره های کارآموزی و کارورزی و حضور در صنعت لازم است کما این که در کشوری مثل آلمان بیش از ۹۵ درصد دانشگاه ها رویکرد مهارتی و کاربردی دارند تا نظری محض.

- نظر شما درباره آموزش های مکمل علمی و فنی خارج از دانشگاه که این روزها زیاد شده است چیست؟

- اگر هدف از این آموزش ها صرفا بهره مندی اقتصادی نباشد و منطبق بر شرایط بازار کار و تحولات عملی و به روز محیط کار باشد بسیار سازنده و مفید است.

- چه توصیه هایی برای دانشجویان در کسب دانش و موفقیتهای علمی دارید؟

- به دانشجویان عزیز عرض می کنم که هیچ مرزی برای علم وجود ندارد و هر چه هست دانش و دانایی مطلق است و البته مسئله دانشجویان نباید فقط کسب علم باشد بلکه گسترش و پیشبرد علم از اهمیت بالایی برخوردار است و در این راه بایستی از فرهنگی فعال، کنشگر و جهادی برخوردار بود و نه فرهنگی کنش پذیر.

- تجربه ای از موفقیت زندگی علمی خود برای دانشجویان بفرمایید.

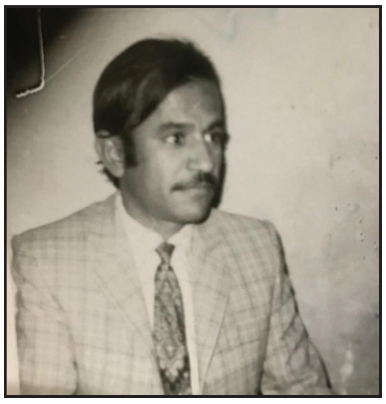
- در فعالیت های علمی و هدفمندم هیچ عاملی مانع پرداختن به آن فعالیت نشده است. بیاد دارم وقتی پایان نامه کارشناسی ارشدم در دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز تعریف شد دستگاهی که باید آزمایش ها را انجام می دادم در ایران موجود نبود و یک سال زمان برد تا با چالش های بسیار که از حوصله این گفتار خارج است دستگاه را در ایران با حداقل امکانات و در مرحله ای با اخذ وام ساختیم و آزمایشات با استفاده از آن صورت گرفت و با موفقیت و نمره عالی پایان نامه را گذراندم.

- سخن پایانی؟

- سخن پایانی این که برای دانشجویان و دانشگاهیان عزیز آرزوی موفقیت و سرافرازی دارم و امیدوارم در این شرایط سخت پاندمی کرونا با هدفمندی و توانمندی و تجارب بدست آمده از آموزش های مجازی به طور هدفمند برای مواجهه با چالش بزرگ جهانی سیندمیک هم افزای سه گانه پاندمی ها - چاقی و اضافه وزن و تغییرات اقلیمی با جهت دهی آموخته های تخصصی خود و استفاده از فناوری های جدید و همگرا چون فناوری نانو - زیست فناوری - فناوری اطلاعات و علوم شناختی که همه علوم را در بر می گیرد و علوم بین رشته ای جامعی به حساب می آیند برای ساختن زندگی سالم تر برای خود و خانواده و جامعه جهانی گام بردارند.

زندگی نامه دکتر جعفر حمیدی در مصاحبه با نسیم جنوب (۳):

خاطره ای از نهضتی ها در بوشهر



عمر حکومت تنفگچی های تنگستانی و مناطق دیگر در بوشهر کوتاه بود و پس از مدت کمی دوباره شهر به دست قوای دولتی افتاد و مهمانان به شهرها و روستاهای خود بازگشتند، اما بیشتر آن ها تقریبا به مدت یک ماه در بوشهرمقیم بودند.

از خاطراتی که از نهضتیان دارم این است که من کلاس سوم ابتدایی یعنی حدود ۱۰ سال داشتم روزی به دبستان می رفتم و گفتم که دبستان ما در محله برازجانی داخل خیابان قرار داشت و محل خدمت تفنگچی ها هم درست رو به روی دبستان قرار داشت. در کوچه برازجانی رو به روی مسجد (توحید امروز) که خانه میرزا احمد و میرزا محمود برازجانی هم رو به روی مسجد قرار داشت در همین جا یک تفنگچی مسلح از رو به رو می آمد من یک کلاه بره مشهد که پدرم از مشهد آورده بود سرم بود تفنگچی وقتی به من رسید کلاه را از سر من برداشت و روز سر خود و کلاه (کرگ) خود را روی سر من گذاشت و اعتراض کردم اما خیلی ترسیدم وقتی اعتراض و حتی گریه کردم خنجر خود را از کمر کشید و به سوی من گرفت وقتی صدای گریه ام بلند شد، کلاه خودش را از سرم برداشت و کلاه خودم را بر سرم گذاشت و رفت. من از همان جا تا دبستان دویدم اما این مطلب را به هیچ کس نگفتم. البته قبلا گفتم که تنگسیرها و تفنگچی ها آزارشان به هیچ کس نمی رسید و شهر در امن و امان بود.

رفتن دبیرستان

آن زمان هنوز مدرسه راهنمایی وجود نداشت و دانش آموزان پس از کلاس ششم دبستان به کلاس هفتم یا اول دبیرستان می رفتند. من هم مثل بقیه به دبیرستان رفتم، دبیرستان سعادت که قدیمی ترین مدرسه در منطقه بود و تا امروز هم هنوز دایر است. رییس دبیرستان سعادت، زنده یاد، سیدضیاءالدین بلادی بود که بسیار جدی و سختگیر بود و در بوشهر به نظم و جدیت مشهور بود. رفتم به محیطی بزرگتر یعنی دبیرستان تا مدتی برای ما تازه وارد آن جا شده بودیم مأنوس نبود و لازم بود علاوه بر دروس موجود، انگلیسی و عربی هم در کلاس بخوانیم. دبیران ما معمولان از شیراز یا تهران می آمدند یا محلی بودند. کتابهای درسی از تهران می آمد.

تنبیه در مدارس

روابط بین دانش آموزان بد نبود و امکانات آموزشب نیز تقریبا فراهم بود دانش آموزان معمولا از دبیران خود می ترسیدند بعضی از دبیران هم کتک می زدند. یادم هست کلاس هشتم یک دبیر ریاضی داشتیم که معمولا به جای درس دادن مفید، کتک زدن بلد بود و ما گاهی ترس از کلاسش غایب می شدیم.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
صندوق پستی: ۱۱۹۹ لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



با کاروان مهر

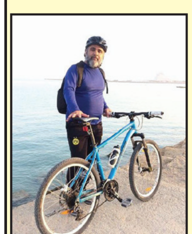
عبدالمجیدزنگویی



با کاروان مهر زغم دور می شوم
راهی کوی و خانه ی معمور می شوم
هر چند تیرگی بگشوده است بال و پر
یک روز راحت از شب دیجور می شوم
آنگه که عشق خیمه زند بر فضای دل
از خویشتن گذشته و منصور می شوم
خورشید بخت چون که دردهای شام
دمساز با شعور و شر و شور می شوم
یک روز پشت سر بنهم سنگلاخ صعب
وارد به سازه های پر از نور می شوم
در قیل و قال محفل یک رنگ دوستان
سرمست بانگ دشتی و ماهور می شوم
وقتی چراغ علم بتابد به خانه ها
از جهل شوم رسته و مسرور می شوم

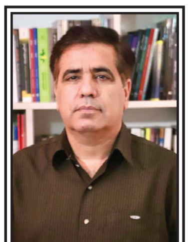
دوچرخه سواری چند منظوره

یحیی یحیایی:



برایان تریسی تعبیری دارد به نام «دانشگاهی بر روی چهار چرخ» که مفهوم کلی آن این است که با استفاده مفید از مدت زمانی که مشغول رانندگی هستیم (و در حالت عادی معمولا این زمان تلف می شود) می توانیم مطالب مفید زیادی بیاموزیم و خودرو را برای خود به یک دانشگاه تبدیل کنیم!
در کتاب «شناخت شمال حقیقی»، در کنار مفهوم نسبتا مهندسی! «تعادل کار و زندگی»، به مفهومی به نام «ادغام کار و زندگی» می پردازد به این معنی که می توانیم برخی از جنبه های کار و زندگی (یا چند جنبه از کار یا چند جنبه از زندگی) را با هم ادغام کنیم.
هوای بوشهر که قابل تحمل می شود مسیر منزل تا اداره و برعکس را با دوچرخه طی می کنم. مسیر رفت و برگشت تا اداره حدود ۲۵ کیلومتر است و تقریبا یک و نیم ساعت زمان می برد. یعنی حدود یک ساعت بیش از زمانی که با خودرو رفت و آمد می کردم. به نوعی سعی کرده ام سه فعالیت رفت و برگشت به محل کار، ورزش و یادگیری را با هم ادغام کنم. علاوه بر جنبه ورزشی و نشاط جسمی، دوچرخه سواری در مسیر ساحل زیبای خلیج فارس باعث نشاط روحی هم من هم می شود، لذا شاید بتوان جنبه تفریح را هم به آن اضافه کرد! زبان آموزی را هم به آن اضافه کنید. حتی با این کار سهم کوچکی در کاهش آلودگی هوا و بار ترافیکی شهر دارم! پادکست های آموزشی ارزشمندی را در مسیر رفت و برگشت گوش داده ام.

فرزندان عجول و والدین شرمسار



یونس قیصی زاده

به دنبال ورود به دنیای مدرن، اضطراب‌ها و دغدغه‌های جدیدی نیز در زمینه‌های مختلف سر بر آورد و در مقایسه با گذشته، طیف وسیعی از تشویش و اضطراب‌ها انسان را احاطه کردند. از جمله اتفاقات مهم دوران مدرن، خارج شدن منزلت و موقعیت اجتماعی و اقتصادی از حالت موروثی بود. به قول «آلن دوباتن» نویسنده فلسفی: «ما اولین نسلی هستیم که باور دارد منزلت، چه پایین چه بالا، ارثی نیست و چیزی است که ما خودمان خلقش می کنیم». همین فکر و تلاش برای رسیدن به منزلت، در کنار ایجاد فرصتی بی‌نظیر، دغدغه‌ها و اضطراب‌های جدید و بی‌سابقه‌ای را نیز موجب شد. سال‌هاست که سخنرانان و نویسندگان کتاب‌های انگیزشی به مردم می‌گویند که هر کسی می‌تواند هر آن چه می‌خواهد بشود و در این راه، هیچ محدودیتی وجود ندارد و کافی است فقط بخواهی و کار تمام است؛ "به بیل گیتس نگاه کنید، یک انسان با انگیزه زیاد که کامپیوترش را به گاراژ برد و الان با ثروت ۱۴۷ میلیارد دلاری جزو ثروتمندترین افراد جهان است. و یا برای موفقیت، تنها سقف آسمان مرز ماست و یا به آن چه دوست دارید فکر کنید تا آن مطلوب محقق شود. یا این که، انرژی مثبت بفرستید به سمت کائنات تا مشکلات‌تان برطرف شود و..."!
این تفکرات هیجان‌آوری است که امروزه بسیاری از جوانان ما در سر دارند، این که قدرت خودتان را کشف کنید تا ثروتمند شوید و یا از کائنات بخواهید تا درآمدتان به سطح بالایی برسد و... اعتقادی که می گوید با خواستن و اراده می‌توان به همه جا رسید!
اما اگر سوی نگاه‌مان را از کائنات کمی به طرف زمین بچرخانیم، متوجه خواهیم شد مساله به این سادگی هم نیست که اراده کنی و «بیل گیتس» شوی، صرفاً انگیزه داشته باشی و سایت آمازون را با درآمد سالانه **۲۳۳** میلیارد دلاری راه بیندازی، پشت کامپیوتر بنشینی و با زدن چند دکمه، «مارک زاکربرگ» بشوی و فیسبوک دیگری راه بیندازی و **۱۳۱** میلیارد دلار ثروت را پارو کنی و...! این‌ها روایت‌های زیبایی هستند که البته صدها اما و اگر دارند که به آنها بی‌توجهیم و به قول حضرت حافظ: «هزار نکته‌ی باریک‌تر ز مو این‌جاست»! به عبارتی، نکته مهم تفاوت بین حقیقت زندگی و باور و آرمان افراد است.
این که ما فکر کنیم موفقیت در زندگی به همین سادگی حاصل می‌شود و می‌توان ره صد ساله را یک‌شبه پیمود و برای ثروتمند شدن فقط قدرت و انگیزه و پیدا کردن راه‌هایش کافی‌ست، باعث می‌شود تا بسیاری از افراد با دیده تحقیر و دلخوری به والدین خود بنگرند و از آن‌ها سخت گلایه‌مند باشند که چرا به اندازه کافی تلاش نکرده و از ساختن یک زندگی راحت و آرام برای فرزندان‌شان غفلت نموده‌اند و بدین‌وسیله حس شرمساری را نثار والدینی کنند که گرچه هر چه در توان داشته‌اند برای آسایش خانواده به کار گرفته‌اند، اما ممکن است فکر کنند که راه را اشتباه رفته‌اند. با هر چه بیشتر شدن اهمیت پول در جامعه، عجیب نیست اگر بگوییم شاید بیشترین گلایه فرزندان از والدین حول و حوش این توقعات دور می‌زند و بیشترین شرمساری والدین مقابل فرزندان نیز بدین خاطر رقم می‌خورد.
اما خوب است بدانیم اوّل این که جهان این قدر عادلانه نیست که بر اساس شایسته‌سالاری به توزیع منزلت و موقعیت و ثروت اقدام شود. هنوز با قاطعیت می‌توان گفت دچار زندگی ناعادلانه‌ای هستیم و در امور اجتماعی، شغلی و اقتصادی و... بسیاری از فرصت‌ها و اوضاع و احوال از کنترل ما خارج است. در دنیای واقعی حوادث و شرایط به دلخواه ما و طبق نقشه‌ی از پیش تعیین شده رخ نمی‌دهند. در جامعه‌ای زندگی می کنیم که گرچه توقع‌مان از رسیدن به موفقیت و زندگی ایده‌آل بالا رفته، اما شرایط رسیدن به آن‌ها فراهم نشده و امکانات به دست آوردن آن‌ها نیز عادلانه توزیع نشده‌اند. البته گرچه زندگی منصفانه نیست، اما می‌توانیم با درستی، شرافت، صداقت، مهربانی، وفاداری، دلسوزی و محبت و... به عنوان میراثی اصیل و ماندگار، طوری رفتار کنیم که شرایط را به سمت بهتری سوق دهیم. چکیده این که زندگی را با دیدگاهی واقع‌بینانه باید دید. ضمن این که خیلی‌ها برای مقاصدی با هم رقابت می‌کنند که فقط عده‌ای محدود امکان دستیابی به آن‌ها را دارند و این جز نومیدی و تیره‌روزی نتیجه‌ای در بر ندارد، چرا که مشخص است تعداد انسان‌هایی که نمی‌توانند به چنین موفقیت‌های بد تعریف‌شده‌ای برسند، خیلی بیشتر از افرادی است که به آنها دست می‌یابند. «اسپینوزا» فیلسوف معروف هلندی که نظراتش در این سال‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفته، اعتقاد داشت «شرطی‌سازی اجتماعی اذهان ما را از این نظر آلوده می‌کند که عزت نفس ما بستگی به این دارد که از دیگران بهتر باشیم و از آن‌جا که این بهتر بودن از بقیه برای بیشتر انسان‌ها مطلقاً محال است، این شرطی‌سازی تضمین می‌کند که بیشتر انسان‌ها درباره خودشان حکم می‌کنند که شکست خورده‌اند و احساس ناایمنی و ناارزندگی کنند».
دوم هم این که دل بستن به استثناءها و در گاراژ ثروتمند شدن و با یک کلیک، پول زیادی به دست آوردن برای الگوی زندگی عموم افراد، سرابی بیش نیست. ضمن این که باید به این نکته نیز توجه داشت که ما فقط روی خوش موفقیت‌های افراد را می‌بینیم و چه بسا افراد بزرگ و موفقی که بارها شکست خورده و تا مرز ورشکستگی هم رفته باشند و دوباره از خاکستر برخاسته باشند. حقیقت این که رسانه‌ها به افراد ناکام علاقه‌ای ندارند و همین موضوع ما را دچار «خطای بقا» می‌کند که شانس موفقیت خود را بیشتر از آن چه هست، برآورد کنیم. پشت هر مایکروسافت، آمازون، تسلا و فیسبوک و... هزاران هزار افراد ناکامی است که بی‌سر و صدا در قبرستان افراد ناموفق جای گرفته‌اند و این همان واقعیت تلخی است که رسانه‌ها ما را به وادی قبرستان پروژه‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و شغل‌هایی که در زمانی، بسیار امیدوار کننده بودند، ولی شکست خورده‌اند نمی‌برند.
بهتر آن است که ابتدا ضمن پرورش و توسعه‌ی مهارت‌ها و توانمندی‌هایمان، بیشتر از آن‌که از پدر و مادر و دیگران انتظار داشته باشیم، به خود تکیه کنیم و همچنین این نکته را درک کنیم پدران و مادران ما به اندازه کافی و حتی بیش از توان‌شان برای به رفاه رساندن خانواده‌شان تلاش کرده‌اند، از تفریح خود زده‌اند، چشمان خود را به روی خواسته‌های شخصی خود بسته‌اند، رسیدن به لذت‌های فردی خود را رها و به سختی کار کرده و قامت‌شان زیر فشار سنگین روزگار خمیده شده تا خانواده‌ای موفق بسازند. خستگی آن‌ها در این دوران، نشانه‌ای از بسیاری تلاش و زحمت و قناعت و صرفه‌جویی بوده که آن‌ها در همه سال‌های گذشته به خاطر خانواده متحمل شده‌اند.
در مجموع خوب است بدانیم که به دست آوردن یک زندگی با رفاه نسبی، نیاز به زحمت و تلاش و برنامه‌ریزی و مخاطرات بسیار و همچنین عبور و درس گرفتن از شکست‌ها دارد که جوانان باید خود را برای طی نمودن این راه آماده کنند. تحصیل و به دست آوردن مهارت و داشتن انگیزه و برنامه‌ریزی و... تنها شروع پیمودن این راه پرفراز و نشیب است.
این که در جوانی فکر کنیم سریع و فوری می‌توانیم یک زندگی شش‌دانگ، بی‌دغدغه و در رفاه کامل داشته باشیم، با واقعیت‌های زندگی همخوانی ندارد.
بگذاریم لذت ساختن یک زندگی موفقیت‌آمیز را در طی سال‌های عمرمان بچشیم. آن‌چه ما را در ماراتن نفس‌گیر و سخت زندگی به نتیجه‌ی مطلوب می‌رساند، برداشتن گام‌های کوچک اما مطمئن و مداوم توام با برنامه‌ریزی دقیق است و نه عجله داشتن و پریدن‌های خیالی و میان‌برهایی در کوچه‌های بن‌بست.

بوشهر قدیم

آماده شدن برای رفتن به مدرسه



ابراهیم بشکانی

چند روزی به اول مهرماه سال ۱۳۳۸ مانده بود که یه روز صبح بعد ازخوردن ناشتا پدرم گفت: لباسات بر کن تا بریم بازار. لباس پوشیدم و با هم از خونه زدیم بیرون و بعد از گذشتن از کلیسا و مغازه های اول بازار قدیم بوشهر، از پله ها بالا رفتیم به طرف راسته آهنگرا، به خیاطی آقای شهرستانی که رسیدیم پدرم سلام و احوالپرسی با اون کرد و رفتیم به طرف لباس فروشی زار محمد که پیرمردی خوشرو و خندان بود و بعد از سلام علیک پدر بهش گفت: "یه جومه و شلوار قشنگی بدش تا برکنه می خواد بره مدرسه". زارمحمد هم رفت چند دست پیراهن و شلوار آورد که بعد از پوشیدن و پرو کردن آن ها بالاخره یه پیرهن و شلوار بریسی که یه شماره هم بزرگ تر از تنم بود، انتخاب کردیم و سپس رفتیم مغازه روبروش که نوشت افزاری آقای جمشیدی بود و اکثر بچه ها ازش لوازم التحریر می خریدند. پس از گرفتن چند جلد دفتر و مداد و وسایل مورد نیاز رفتیم چند مغازه بالاتر بعد از سلمونی تیغ نما (آقای تقدیری) نزدیک دکون قصابی خلیل خون ریز و به شربت فروشی محمد دوغی رسیدیم، با اشاره پدرم، از تو خِیگ (مشک) دو لیوان دوغ مَشت و خنکی ریخت برامون که طعم نعنا داشت، پس از خوردن دوغ برگشتیم، برابر مغازه سلمونی میرغلوم که رسیدیم پدرم مکثی کرد و دست برد توی جیب شلوارش قوطی تنباکو خوراکیش درآورد و یه خوراک تنباکو ازش برداشت توی دهان زیر لپهاش گذاشت، درهمین موقع چشمم به میرغلوم افتاد، ترس ورم داشت و وحشت کردم.
یاد پارسال افتادم که تو خونه همسایه مون چه جوری با بی رحمی تیغ سلمونیش تیز کرد و علی پسر همسایه مون که روی هاون چوبی (جوغن) نشانده بودند و محکم گرفته بودنش ختنه کرد و در میان داد و هوار علی بیچاره، چگونه او می خندید و دندونای زردش پیدا می شد، چون که اون زمان خودم را برده بودند پیش دکتر عادلی که اکثر بوشهریها بهش ایمان داشتند و سرچهار راه سعادت مطب داشت ختنه کرده بودند، و هیچ دردی احساس نکرده بودم، از خاطره ختنه کردن علی تا زمانی که بزرگ شدم، همیشه از طرف مغازه میرغلوم که رد می شدم ازش می ترسیدم، ولی پدرم بعد از یه مکث کوتاه و گذاشتن قوطی تنباکویی در جیبش براه خود ادامه داد و رفتیم به طرف نانوایی کلیسا و وارد سلمونی کلابوا شدیم که همان نزدیکی بود، پدرم بعد از سلام علیکی گفت: "سرش از ته بتراش میخواه بره مدرسه". کلابوا هم مبارکن گفت و فوری تخته ای که مخصوص اصلاح بچه ها بود گذاشت رو دسته صندلی جلو آینه، ما هم رفتیم بالاش نشستیم و بلافاصله پیش بند سفیدی که از بس استفاده شده بود و رنگش به زردی میزد دورگردن ما بست و شروع کرد با مکینه (ماشین اصلاح دستی) شماره یک یا صفر موهای ما ماشین کردن و هر از گاهی ماشین که تیغه اش کند شده بود سر ما گاز می گرفت و ما جیغی می‌زدیم. پس از اتمام کار پنبه ای تو الکل زد و چند جای سرم که زخم شده بود مالید که سوزش شدیدی احساس کردم، خلاصه بعد از اصلاح وسایلمون برداشته و اومدیم خونه، فوری مادرم آب داغ کرد و بردم حمومم داد و آماده شدم تا صبح زود برم مدرسه...